

کارگر تبعیدی

ارگان

انجمن کارگران تبعیدی ایرانی

قیمت: ۲ مارک

شماره ۱۵

فروردین ۱۳۷۱

به دفاع از مبارزات کارگران ایران برخیزیم!

اشاره کوتاه به معیار کارگری

اخیراً از گوشه و کنار زمره‌هایی به گوشمان می‌رسد که عنوان "کارگران تبعیدی" جهت فعالیت در خارج از کشور عنوان بی‌سمایی است. و واقعیتی را در درون، انعکاس نمی‌دهد. به عقیده من طرح این موضوع از طرف این عده نمی‌تواند بی‌هدف باشد. بنظر می‌رسد هدف این عده همانا، جدل برسر بی‌محتوا جلوه دادن حرکت ما در جهت پیش بردن مقاصد خودشان است. اساس استدلال این قبیل افراد در این نهفته است که عنوان کارگران برای فرد یا جمع تنها زمانی می‌تواند معنی و مفهوم پیدا کند که شخصی و یا جمع مورد نظر در جریان تولید نقش داشته باشند در بقیه در صفحه ۸

اعتصابات نفتگران، استمرار يك تجربه

از دیماه سال ۶۹ تا اسفند ماه ۷۰، چهار حرکت مهم کارگری در صنعت نفت بوقوع پیوسته است. اولین حرکت (۸ تا ۲۳ دیماه ۶۹) را نفتگران آبادان، اصفهان، تهران، شیراز و تبریز خلق کردند. آنها در زمانی که رژیم جمهوری اسلامی با تمام قوا می‌کوشید شرایط زندگی و فقر و فلاکت بی‌حد و حصر طبقه کارگر را بمثابة يك امر عادی و شکیلی متعارف وضعیت کارگران به تثبیت برساند، به جلوی صحنه کام برداشتند و نشان دادند که کارگران قربانی دست بسته رژیم سرکوبگر نیستند و مصمم بخشی از دستاوردهای از کف رفته و حقوق پایمال شده خود را از رژیم باز ستانند.

بقیه در صفحه ۲

اول ماه مه را به روز اعلام خواستهای کارگری طبقه کارگر مبدل کنیم

اول ماه مه سمبل همبستگی جهانی و نشانی از قدرت طبقه کارگر جهانی است. روزی برای بنمایش گذاشتن اراده طبقه کارگر برای تغییر جامعه است. اول ماه مه مظهر تقسیم جامعه به دو طبقه متخاصم بقیه در صفحه ۶

گزارشی از کارخانه قفل سازی مهریا

کارخانه قفل سازی مهریا در جاده دماوند بالاتر از سه راه تهرانپارس واقع شده است و تولید آن انواع قفل‌های ساختمان می‌باشد که در زمان شاه بیش از ۴۰۰ کارگر را در خود جای داده بود اما تعداد کارگران در زمان حاکمیت جمهوری اسلامی به ۱۳۰ نفر رسیده. عده زیادی از کارگران اخراج شدند. دستگاه‌های این کارخانه از آلمان غربی و مجموعه مواد اولیه آن (ورق‌ها و مفتول‌ها ۰۰۰) از ژاپن وارد می‌شود متعلق به بخش خصوصی است. اما دولت مواد اولیه آنرا به قیمت بقیه در صفحه ۷

هرگز بشریت چون امروز قادر به مهار نمودن نیروهای قهار طبیعت نشده و هیچوقت مثل امروز نتوانسته بود آنقدر زیاده از حد تولید نماید که کوهی از مواد غذایی را بی‌صرف در سردخانه‌ها انبار کرده باشد.

مدهاست که تمام شرائط مادی برای سازمان دادن تولید اجتماعی، برای بر آوردن نیازهای اجتماعی، برابر آحاد جامعه مهیا شده است. معیناً امروز صدها میلیون انسان و در میان اینان میلیونها کارگر، این تولیدکنندگان نیازهای اجتماعی در چنگال بیگاری عدم تامین اجتماعی فقر و درد و رنج قرار دادند. مصیبت از آنجا شروع شد که طبقه کارگر جهانی متفرق و شقه شقه شده از رسالت طبقاتی، هویت، منافع و سنت هایش نظیر اول ماه مه بیگانه شده است.

گزارشی از کارخانه شوفاژ کار

کارخانه شوفاژ کار در ۱۲ کیلومتری تهران در بین جاده قدیم و جاده مخصوص کرج واقع شده. تولید آن دیگهای شوفاژ ۳۰۰، ۳۵۰، ۱۴۰۰ می‌باشد. حدوداً ۷۵۰ کارگر در آن مشغول بکار هستند. بیش از ۶ کارگاه دیگر ریختهگری در تهران و اراک با مواد اولیه این کارخانه و تولید قطعات کوچک، محصولات آنرا تکمیل می‌کنند. قرار بر این بود که کارخانه چسب زین قزوین که تولید يك قلم از مواد اولیه کارخانه می‌باشد نیز راه‌اندازی شود. بجز شوفاژ کار کارخانه دیگری با ظرفیت تولیدی بسیار کم وجود ندارد، اما شوفاژ کار بلحاظ گستردگی و سطح تولید بالایش در واقع انحصار تولید دیک را در دست دارد و بقیه بقیه در صفحه ۴

در صفحات دیگر می‌خوانید:

- ★ از فعالیت‌های انجمن ★ نامه‌ها و پیامها
- ★ مانور جدید رژیم اسلامی در مورد تشکلات کارگری
- ★ پیدایش و رشد اتحادیه‌های کارگری در ایران - ۴
- ★ گزارشی از برگزاری ششمین کنگره سراسری ATIK
- ★ گزیده‌ای از مطالب مربوط به مسائل کارگری از روزنامه‌های رژیم
- ★ "ادامه مبارزه کارگران در صنعت نفت"
- ★ اطلاعیه هیئت هماهنگکننده انجمن در مورد استقلال انجمن

زنده باد تشکلهای مستقل کارگری!

دنباله از صفحه ۱

شرکت نفت موافقت کرد و کوشید و انمود کند که تسلیم مبارزه کارگران نخواهد شد، اما چه کسی است که نماند، افزایش ۲۶ درصد به حداقل دستمزد کل کارگران ایران (و رساندن آن از ۱۶۶۷ ریال به ۲۲۶۷ ریال در روز) نتیجه بلاواسطه و مستقیم اعتصابات کارگری در سال ۷۰ و بخصوص اعتصاب نفتگران بود.

واضح است که این میزان افزایش دستمزد، در مقایسه با نرخ سرسام‌آور تورم و گرانی روز افزون تأثیر تعیین کننده‌ای بر سطح معیشت کارگران نخواهد گذاشت. ولی نکته اینجاست که رژیم بدون اعتصاب و اعتراضی کارگران زیر بار همین میزان نیز نرفت. چنانکه همین رژیم در طی حکومتش تا سال ۶۶ تنها ۴ تومان افزایش دستمزدها (یعنی حدود ۵/۵ درصد) را پذیرفته بود.

چهارمین اعتصاب نفتگران توأم با تظاهرات گشت، ۱۵۰۰ کارگر نفت رامهرمز در تاریخ ۲۴ اسفند ۷۰ (۱۴ مارس ۹۲) با مطالبه افزایش دستمزدها مطابق با افزایش حقوق کارمندان، وارد میدان شدند. آنها از کارخانه به خیابانها آمده و به تظاهرات پرداختند. در این اثنا حدود ۶ هزار تن از اهالی نیز به آنها پیوستند و حمایت و همبستگی عملی خود را با کارگران و خواسته‌های آنها بیان کردند. نیروهای سرکوبگر رژیم وارد عمل شده و به صف تظاهرکنندگان یورش آوردند. بنا به خبرهای رسیده در این کارزار ۱۰۰ تن زخمی و ۵۷ نفر دستگیر شدند.

همینکه در شهر نسبتاً کوچکی چون رامهرمز و در جو اختناق و سرکوب ۶ هزار تن از اهالی به صف اعتصابیون می‌پیوندند و مطالبه کارگران را خواسته خود می‌دانند، نشانگر فراگیر بودن شعاری است که در سر لوحه خواسته کارگران قرار دارد. این خواسته متحد کننده و پیشبرنده است.

فراموش نکنیم که این اعتصابات در مقطعی به وقوع می‌پیوندند که هرگونه اعتصابی از نظر رژیم به معنی مخالفت علنی با دستگاه حاکمه، اسلام و قوانین کشور محسوب می‌شود.

اعتصاب یعنی در مقابل رژیم عرض اندام کردن و او را به چالش کشاندن! اما کارگران علیرغم غیرقانونی بودن اعتصاب چنان آنرا به سان واقعیتی آشکار به رژیم تحمیل کرده‌اند که کارگزاران رژیم، یعنی کسانی که حتی بیان اعتصاب و فکر کردن درباره آنرا "جرم" و "حرام" قلمداد میکردند اینک ناچار شده‌اند، بپذیرند که "اعتصاب يك پدیده طبیعی محیط کار است." (۱)

رژیمی که اعتصاب را حرام می‌خواند و حتی حاضر نبود کلمه اعتصاب را در مبارزه کارگران ایران به زبان آورد، ناچار شده است، "حرام" را به مثابه "يك پدیده طبیعی" به رسمیت بشناسد. اگر به مفهومی که حرام در ایدئولوژی اسلامی دارد (کاری که اسلام آنرا منع کرده و ارتکاب آن را گناه خوانده) توجه کنیم، در می‌یابیم که همین اعتراف و عقب نشینی، يك دستاورد مهم طبقه کارگر است. اینجاست دیگر رژیم اسلامی وادار شده، "گناه" را امری طبیعی بخواند.

نکته مهم و با ارزش دیگری که در مبارزات کارگران جلب توجه می‌کند، سطح معینی از سازماندهی در آنها است. با اینکه کارگران ایران قانوناً از هیچ گونه تشکل مستقلی برخوردار نیستند، ولی آنها قادر شده‌اند چندین اعتصاب بزرگ را همزمان در چند شهر ایران سازماندهی نمایند. واقعیت این است که جنبش کارگری ایران هنوز تا حدود زیادی پیوند خود را با تجاری که در طی انقلاب ۵۷ بدست آورده، حفظ نموده

رژیم در مقطع جنگ و اوج بیگارسازیها، آن چنان عرصه را به کارگران تنگ کرده بود، که آنها ناچار بودند، عمدتاً تلاشها و انرژی خود را صرف حفظ شغل و هویتشان کنند. رژیم علاوه بر سرکوب وسیع پلیسی و اعمال قهر علیه کارگران، تسک به ابزار ایدئولوژیک و دینی برای کنترل آنها، و همچنین حربه اخراج که هر دم در مقابل کارگر آنرا علم میکرد، حتی حاضر نبود این طبقه را به عنوان کارگر به رسمیت بشناسد.

بر بستر چنین شرایطی بود که جمهوری اسلامی توانست وحشیانه ترین شرایط استثمار را به کارگران تحمیل کند و آنان را به عقب نشینی وادارد. در طول این سالها، قیمتها روز به روز بالا رفت در حالیکه تا سال ۱۳۶۶ حتی يك شاهی به مزد کارگران اضافه نشد. تازه در سال ۶۶ بود که ۴ تومان به دستمزد آنها اضافه شد و حداقل دستمزد از ۷۲ تومان به ۷۶ تومان رسید.

در طی جنگ؛ سر نیزه، کنترل سیاسی - دینی و از همه مهمترین غول اخراج و بیگاری، کارگران را از افزایش دستمزد محروم کرده بود. اما بعد از جنگ، سرمایه داران و رژیم نیاز به بازسازی اقتصادی داشتند و این مسئله باعث شد که کارگران آرام آرام به صحنه آیند و به رژیم بفهمانند که برای چرخاندن چرخ اقتصاد ناچار است در وهله اول هویت کارگر و نیز روز کارگر، اول ماه مه را برسمیت بشناسد. رژیم عقب نشست و در قانون کارش پذیرفت که "کارگر بعنوان طرف قرارداد با کارفرما وجود دارد." تعرض رژیم درهم شکست. این تازه گام نخست بود. از این جا، کارگر بنحو متمرکزتری با مطالبه افزایش دستمزد وارد پیگار شد، "مزدها باید به سرعت افزایش یابند" این مطالبه فراگیر و متحد کننده کارگران بود. این بار کارگر به هیچ بهانه‌ای نمی‌خواست ببذیرد به قیمت خانه خرابی و تنهایی بیشتر خود، بازسازی اقتصادی رژیم را بر نوش کشده و به خوبی میدانست، بدون اینکه قاطعانه پا به میدان بگذارد و با رژیم و سرمایه‌داران درافتد، هیچ بهبودی در شرایط زندگی حاصل نخواهد شد و حتی ریالی به حقوقش افزوده نمی‌شود.

اعتصاب نفتگران در سال ۶۹ راه را هموار کرد و گرمای آن، انجماد اعلام نشده دستمزدها در ایران را ذوب نمود. رژیم در آن سال ناگزیر شد، با بخش اعظم مطالبات نفتگران موافقت کند و علاوه بر این ۲۰۰۰ تومان به حقوق کل کارگران ایران اضافه نماید.

اعتصاب دوم نفتگران در اواسط مهرماه ۷۰، در پالایشگاه هشتم اراک، پالایشگاههای اصفهان و تهران و همچنین تأسیسات نفتی مسجدسلیمان شعله کشید. در این اعتصاب و کم کاری کارگران به رژیم هشدار دادند که بدون افزایش دستمزدهایشان آرام نخواهند گرفت و همواره او را به مبارزه خواهند طلبید. از نتایج تبعی این اعتصاب کمبود نفت و بنزین در بسیاری از شهرهای ایران بود. در طی این اعتصاب تلمبه خانه بیبیلند در استان خوزستان از حرکت باز ایستاد.

سومین اعتصاب نفتگران در دیماه ۷۰ از پالایشگاه اصفهان آغاز شد و پس از دو روز دامنه آن به پالایشگاههای تهران و شیراز گسترش یافت. کارگران در این اعتصاب به صورت مشخص مطالبه ۸۰ درصد افزایش دستمزدها را مطرح کردند. اعتصاب نفتگران این بار در شرایطی به وقوع می‌پیوست که بنا به اعتراف کمالی وزیر کار رژیم در طی سال ۷۰ حدود ۲۰۰۰ اعتصاب کارگری در ایران رخ داده بود. اگر چه رژیم در این اعتصاب ظاهراً تنها با افزایش حقوق کارمندان

اخیر نفتگران قابل رویت است. همینکه نفتگران در عرض يك سال و بطور همزمان در شرایط خفقان حاکم بر ایران، ۳ اعتصاب بزرگ را در چند شهر سازماندهی میکنند و در اعتصاب چهارم به همراه ۶ هزار تن از اهالی به خیابانها میآیند و در مقابل قوای سرکوب رژیم عرض اندام میکنند، نمیتواند بر فضای سیاسی جامعه بی‌تأثیر باشد. علاوه بر این حرکت نفتگران از چنان اهمیتی برخوردار بود که خبر آن برای نخستین بار از سد سانسور گذشت و در روزنامهها و خبرگزاریهای معروف جهان انعکاس یافت. این برای اولین بار طی سالهای اخیر بود که خبر اعتصاب کارگران (هر چند به صورت کوتاه مدت و جرقه‌وار) مخالفت خوانیها و اعتراضات نمایندگان اقشار دیگر نسبت به رژیم را تحت الشعاع قرار داد.

با این حال، اینها همه برای تأثیر گذاری قاطع بر فضای سیاسی جامعه هنوز در حکم يك جرقه‌اند، گرچه این خاصیت و امکان در جرقه وجود دارد که به آتش بدل گردد ولی هنوز با آن فاصله زیادی ندارد.

بی‌تردید فعالیت ما کارگران پناهنده و همچنین دوستداران و طرفداران کارگران در خارج کشور در تقویت و پرتوانتر کردن حرکات و مبارزات کارگران ایران بی‌تأثیر نیست.

همینکه روزنامه کثیر الانتشار نیویورک تایمز و خبرگزاریهای آسوشیتد پرس و رویتر خبر اعتصاب را منعکس میکنند، بخش فارسی رادیو اسرائیل خبر را پخش میکند و بالاخره و از همه مهتر، بخش فارسی رادیو بی‌بی‌سی صاحبمهایی با رفیق یدالله خسروشاهی از رهبران و سازماندهان سابق کارگران نفت ترتیب میدهد، نشان دهنده کوششهایی است که بخشها در خارج کشور صورت گرفتند.

حمایت بسیاری از اتحادیهها (اتریش، انگلستان، سوئد، فرانسه، دانمارک، کانادا، آمریکا و فنلاند) از حق تشکل و شرایط بهتر کار برای طبقه کارگر ایران، تصویب قطعنامه انجمن کارگران مهاجر و پناهنده در اتحادیهها و محافل کارگری انگلستان در محکومیت سیاستهای ضد کارگری جمهوری اسلامی و اخراج نمایندگان این رژیم از سازمان بین‌المللی کار، ترغیب سازمان مذکور برای فشار آوردن به رژیم برای به رسمیت شناختن تشکلات کارگری در ایران و... از جمله کارهایی است که انجام گرفتند.

سلما" این کوششها در جهت جلب حمایت و همبستگی کارگران اروپا، کانادا و آمریکا با کارگران ایران و انعکاس اخبار مبارزات ایشان، در حرکات اخیر کارگران ایرانی بی‌تأثیر نبوده است. همینکه کارگر ایرانی بداند، احتمال رسیدن صدای وی به سایر کارگران وجود دارد، قطعاً در تقویت روحیه مبارزاتی‌اش تأثیر مهمی خواهد داشت.

با این حال این تلاشها هنوز بسیار کمند! بکوشیم با گسترش و یک پارچه کردن فعالیتتایمان صدای کارگر ایرانی را هر چه رساتر به گوش هم طبقه ایپایش برسانیم و در این میدان نقش خود را به نفع طبقه کارگر ایران ایفا کنیم.

حلیل محمودی
۱۹۹۲/۴/۱۳

توضیحات

- ۱- حسینی مدیر مسئول روزنامه کاروکارگر - رساله ۱۱ اسفند ۱۳۷
- ۲- خوانندگان عزیز میتوانند در این باره به مقاله "مانور جدید رژیم اسلامی در مورد تشکلات کارگری" که در همین شماره نشریه به چاپ رسیده، رجوع کنند.

است. بسیاری از دستاوردهای دوره متحول انقلاب هنوز در ذهن و روان بخشی از کارگران زندماند. رژیم جمهوری اسلامی در طی سالهای حکومت منحوسش کوشید با کشتار، سرکوب، زندان، اخراج و بازخرید کارگران پیشرو و با تجربه‌تر، کارگران دیگر را از تجارب مبارزاتی آنها بی‌بهره کند. اما شواهد نشان میدهند، سنتهای مبارزاتی که کارگران در دل انقلاب بهمن خلق کردند، يك قشر از آنها را آبدیده کرده است. آنها در این سنتها پخته شدند، این سنتها به بخشی از آگاهی آنها تبدیل شده است. دیگر به سادگی حتی با از میدان به در کردن صدها کارگر پیشرو نیز نمیتوان این سنن را از ذهن کارگران زدود.

در اعتصابات اخیر نفتگران، به عینه میتوان ردپای کار بست تجارب "کمیتههای مخفی اعتصاب" و "کمیته هماهنگی اعتصاب" یعنی شیوه سازماندهی که نفتگران آبادان از مهرماه تا بهمن ماه ۱۳۵۷ بسا استفاده از آن اعتصابات خود را به پیش بردند، دید.

اعتصابات نفتگران آبادان در سال ۵۷، محصول کار سازمانگری کمیتههای مخفی اعتصاب بود. این کمیتهها در روند و تداوم خود، برای هماهنگ کردن اعتصاب در کل پالایشگاه و پتروشیمی آبادان، کمیته هماهنگی اعتصاب را نیز تشکیل دادند.

اگر به گستردگی و همزمانی اعتصابات اخیر نفت نگاه کنیم، دقیقاً همان تجارب را منتها این بار حساب شصت و منطبق با شرایط کنونی در آنها باز می‌یابیم.

اگر تجارب دو نسل کارگران ایران (سالهای بعد از انقلاب مشروطیت تا دیکتاتوری رضا شاه و مقطع شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۱۳۳۲) به نسل بعدی انتقال نیافت و کارگران ایران از این تجارب محروم مانده، کارگرانی که خود در فضای پر تلاطم سالهای ۵۷ تا ۶۰ حضور داشتند و در جریان پدیداری و از بین رفتن شوراهای کارگری بودند، اینسک خود شخما" در صحنه مبارزه با کوله باری از تجربه حضور دارند. آنها روش سازماندهی را آموختند، رهبری مبارزات کارگری را در شرایط خفقان فرا گرفتند، در شرایط خفقان در محیط کار زیستند و شیوههای مقابله و مبارزه با آنها تجربه کردند. در چنین موقعیتی اختناق و سر نیزه گرچه میتواند حرکت مبارزاتی کارگران را کند نماید، اما قادر نیست کارگران را به انفعال و تسلیم کامل وادارد. کتسرل سیاسی دولت استبدادی ایران بر چنین طبقه کارگر با تجربه و سنت داری، کار سادمای نیست. این نقطه قوتی است که کارگران به برکت انقلاب ۵۷ از آن برخوردارند.

این مسئله از چشم رژیم نیز به هیچوجه پنهان نیست. رژیم دریافته با اینکه طی سالهای ۶۰ تا ۶۷ عقب نشینی و شکست نسبتاً سنگینی را به کارگران تحمیل کرده، اما نتوانسته آنها را به انقیاد خود در آورد. او می‌بیند که مبارزات و سازماندهی حرکات کارگری از چنان ظرافت و پیچیدگی برخوردارند که نمیتواند به وسیله انجمنها و شوراهای اسلامی و سرکوب، جلوی آنها را بگیرد. از این رو در صدد است برای کنترل مبارزات کارگری از راه دیگری وارد شود. (۲)

به هر حال کارگران نفت به عنوان پرسابقه‌ترین نسل کارگران صنعتی ایران، با چند اعتصاب اخیر خود نشان دادند که می‌روند مکران شایسته خویش را در میان کل طبقه کارگر بازیابند. مبارزه این بخش از طبقه قطعاً بر مبارزه و سطح معیشت همه کارگران تأثیر مثبتی داشته و خواهد داشت.

حال مسئله مهم این است که آیا نفتگران قادر خواهند بود، با گسترش و تداوم مبارزات خود، تأثیری جدی بر فضای سیاسی جامعه بر جای گذارند؟ آنچه تاکنون مشخص است، نطفههایی از این پوییش در اعتصابات

گزارشی از کارخانه شوفاژ کار

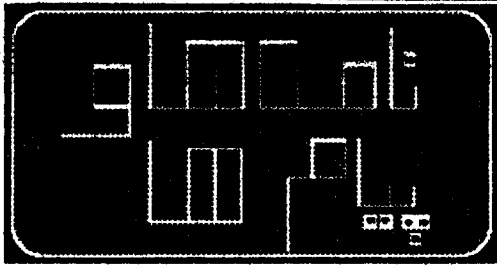
دنباله از صفحه ۱

که کارگران باید بدون استثنا هر روز در پایان کار به حمام بروند. بهداشت محیط حمام، حمام رفتن، لباس پوشیدن و نهار خوردن که همه باید در عرض ۴۰ دقیقه بخاطر بعموبین شیفیت انجام گیرد، خود داستان طولانی و مفصلی دارد.

شرایط کار در این کارخانه آنقدر طاقت فرسا و غیر انسانی است که در دورهای از حیات کارخانه (زمان شاه) کارگر ایرانی حاضر نمی شد در آن کار کند و درصد بسیار زیادی از کارگران آن هندی، بنگلادشی و پاکستانی بودند. اما در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی به همراه بیکاری میلیونی، گرانی سرسام آور و دهها مشکل اجتماعی دیگر که زندگی کارگران را تهدید می کند، هستند کارگرانی که برای داشتن کار به بسیاری از مسئولان و سرپرستان رشوه نیز می دهند. حدود ۷۵۰ - کارگر در سه شیفت و تحت غیر انسانی ترین شرایط با ساعت کار طولانی که روزانه به ۱۵ الی ۱۶ ساعت می رسد مجبور به کار هستند، تعداد آنها در شیفتهای مختلف متغیر می باشد. شیفت اول با ظرفیت کامل کار می کند و به همین ترتیب شیفت دوم تعداد کتری را از کارگران را در بر می گیرد و شیفت سوم شب کاری است. برای گرم نگه داشتن کورهها و جلوگیری از خنک شدن آنها که کارشان عقب افتاده چون کورهها همیشه باید آماده باشند. میانگین سن کارگران حدوداً ۲۵ سال می باشد. متأسفانه بیشترشان بی سواد هستند و بطور دائمی یا موقت استخدام شدهاند. کارگران موقت بیشتر از کارگران فصلی کرد هستند که با دادن سه وعده غذا و جایی همچون دخمه برای خواب، به شدیدترین وجهی استثمار می شوند. این کارگران معمولاً حدود ۶ تا ۷ ماه از سال را در اینجا کار می کنند و بقیه سال را در روستاهایشان به کار کشاورزی می پردازند. این کارگران بدون استثنا در یک روز ۲ شیفت و بعضاً یک شیفت کار می کنند. البته همیشه به سرپرست کارگران انعامی داده می شود تا یکی از شیفتهای آنها شب کاری باشد. استخدام کارگران دائمی نیز هفت خوانی دارد که باید کارگر از آن عبور نماید او حتماً "قبلاً" سه بار تا شش بار و در هر نوبت ۲ ماه به عنوان کارگر موقت باید کار کرده باشد. قرارداد کارگران موقت هر سه ماه یکبار تمدید می شود و تمدید کردن آن طبق میل کارفرما انجام می گیرد. جلب نظر مهندسین و سرپرستان قسمت با کار شاق ... نیز یکی از ضوابط استخدام دائمی است.

دستمزد کارگران موقت حداقل دستمزد تصویبی دولت می باشد. به همین دلیل کارگران مجبورند در دوشیفت کار کنند تا بتوانند نان بخور و نمیری بدست آورند. یعنی بین ۱۵ تا ۱۶ ساعت در روز و در قبال آن ۶ تا ۷ هزار تومان حقوق می گیرند. یعنی ۲ ماه کار طاقت فرسا در یک ماه. در حالی که روزی ۱۰ تا ۱۲ تومان نیز به عنوان مالیات از دستمزدشان کسر می شود. کارفرما نیز در چنین وضعی سود چند برابری به جیب می زند. چون برای تولید بیشتر کارگر جدید استخدام نکرده است و به همین دلیل از امکاناتی که باید به کارگر جدید بدهد و یا هزینههایی از جمله سرویس غذا پرداخت مالیات، حق بیمه و ... صرفه جویی کرده است. کارگران دائمی نیز وضعشان چندان فرقی با کارگران موقت نمی کند. آنها نیز حدوداً "با پول آگورد (سود بهره وری) و عیدی متوسط روزانه ۱۵۰ تومان دریافت می کنند. اضافه کاری برای کارگران دائمی نیز جزء ملزومات زنده ماندن است، و باید حتماً یک شیفت کامل باشد. چرا که در فواصل شیفتهای، سرویس ایاب و نهاب وجود ندارد، تا

نیازهای کشور به دیگ، از آلمان غربی وارد می شود به لحاظ مالکیت، شوفاژ کار متعلق به ۲ سرمایه دار بزرگ ایرانی است که در آمریکا زندگی می کنند و فقط برای مدیریت و کنترل کارخانه به شکل دورهای و نوبتی به ایران می آیند. زمانی که موج دولتی شدن، بخشهای مختلف صنایع را در بر گرفته بود، این سرمایه داران برای جلوگیری از دولتی شدن کارخانه، سهام آنرا بین فرزند و اقوام نزدیک خود تقسیم کرده و رشوهای کلانی نیز پرداخت کرده بودند. یکی از آنها نیز طبق روایات اسلامی وصیت کرده بود که بعد از مرگش بخشی از سهام کارخانه به دولت تعلق گیرد. با همه اینها دولت بر تولیدات و فروش محصولات کارخانه کنترل دارد. مواد اولیه از طریق دولت به کارخانه فروخته می شود، و با نظارت و کنترل دولت بیشتر محصولاتنداختار بخش های دولتی تعاونی ها و ... قرار می گیرد. در واقع دولت نیز یکی از سهامداران کارخانه است که از دسترنج کارگران بهره برداری می کند. مجموعاً طبق محاسبات انجام شده در سالهای ۶۵ کارخانه روزی ۴ تا ۵ میلیون تومان درآمد داشته است. دستگاههای کارخانه از آلمان غربی وارد شده است این دستگاهها در آلمان غربی بلحاظ عقب ماندگی تکنیکی، فرسودگی و بویژه مخاطراتی که برای کارگران دارد سالها سال است که از رده تولید خارج شده و به کشورهای مثل ایران فروخته می شود. اما مواد اولیه آن از شوروی و توسط دولت وارد می شود. شوفاژکار دارای بخشهای مختلفی است که یکدیگر را تکمیل می کنند. این بخشها عبارتند از: کوره ها، ماهیچه سازی، قالب گیری، تراشکاری، برق و حمل و نقل، سندوبلاست، مونتاژکاری، نوسازی و آزمایشگاه. در بخش کوره ۷ کوره قرار دارد که ظرفیت یکی از آنها ۶۷ تن مواد مذاب می باشد. همه کورهها الکتریکی هستند که به کوره های زمینی معروفند و بوسیله آب که با سرعت زیاد در لایه بیرونی شان در حرکت است خنک می شوند. حرارت مواد مذاب کورهها از ۱۴۰۰ تا ۱۶۰۰ درجه می باشد. در همین حال کارگران مجبورند بطور مداوم مواد لازم را با فرغون در آنها بریزند و با بیل و خاک رس آشغالهای آن را بگیرند. ۸۰٪ مواد اولیه کورهها را آهن آلات و ورقهای قراضه تشکیل می دهد. نمناک بودنشان باعث فوران و پرتاب مواد مذاب به اطراف می شود. در این جریان هر روز تعدادی از کارگران می سوزند. کارگران بوسیله جرتقیل سقفی و با کج کردن هیولولیکی کورهها، مواد مذاب را در پائین ریخته روی لوکوموتیو قرار می دهند. سپس در قالبهایی که صاف کشیدهاند می ریزند. جای دادن ماهیچهها در قالبها و حمل کردن دیگهای چدنی با حرارت زیاد به درون اتاقها و بیماران آن توسط ماسه های فولادی، همه اینها با لرزش های شدید همراه با صداهای ناهنجار و گرد و خاک انجام می گیرد که محیط بسیار نا امن روانی و جسمانی برای کارگران ایجاد کرده است. مجموعاً در چهار بخش کارخانه، کوره، ماهیچه سازی، قالب ریزی و سندوبلاست شرایط کار بسیار شاق و طاقت فرساست. درجه حرارت بسیار زیاد محیط کار، نمناک بودن فلزات قراضه که به درون مواد مذاب می ریزند هر روزه موجب فوران مواد مذاب به اطراف سرکوره و سوختن کارگران می گردد. سرکوره جهمی بریاست که در مقابل جهنم تخیلی آخوندها بهشت است. کارگران از انواع و اقسام بیماری های ربوی بخاطر دودناشی از سوختن مواد و گرد و غبار ماسهها، سنگینی گوشها، بخاطر لرزش شدید قالبها و ایجاد سروصدای زیاد، کمردردهای مزمن بخاطر بلند نمودن اجسام سنگین، بیماری های کلیوی بخاطر مصرف آب چاه کارخانه و دهها بیماری دیگر رنج می برند. دودناشی از سوختن مواد و چسب ها و آهن آلات قراضه آنقدر زیاد است که چهره کارگران شبیه سیاه بوستان می شود، بطوری



ایوب عزیز وین - با تشکر از اعلام همکاریتان با انجمن و تماسهای تلفنی مکرر شما نامه ها و مطالبی که فرستاده بودید دریافت داشتیم امیدواریم با همکاری شما بتوانیم حرکت مستقل انجمن را همچنان به پیش ببریم.

★ رفقای واحد هانوفر - برگزاری سمینار در مورد جنبش کارگری آلمان و شرکت فعالانه رفقا در این مورد باعث شناخت بیشتر ما در مورد جنبش کارگری این کشور خواهد شد. ضمن تشکر فراوان از برگزاری سمینار امیدواریم در آینده شاهد سمینارهای دیگر از طرف شما باشیم.

★ حمید عزیز، هانوفر - با تشکر از ارسال بحث هایی در مورد بررسی اتحادیه های کارگری آلمان، ما بزودی آنها را در اختیار سایر رفقا قرار خواهیم داد.

★ منیر عزیز، فنلاند - پیشنهاد شما را مبنی بر دریافت کمک از سازمانهای مختلف ارسال داشته و در این مورد از آنان تقاضای کمک کردیم.

★ مرتضی عزیز، کانادا - با تشکر از تلاشتان در مورد پیشبرد اهداف انجمن. نامه شمارا دریافت داشته و نشریه به تعداد درخواستان برایتان ارسال داشتیم.

★ رفقای کارگر مستقر در سوئد - نامهتان را دریافت داشتیم. از اینکه دوسالتی است در ارتباط با کارگران ایران مشغول فعالیت هستید جای تشکر و سپاس است.

همانطور که قید کردیم با توجه به اهداف مشترکی که در دستور کار خود قرار دادیم می توانیم فعالیت مشترک و هماهنگی را به پیش ببریم و از دوبار همکاری جلوگیری نمائیم. روابط گسترده شما با اتحادیه های کارگری و فعالین جنبش کارگری سوئد می تواند گام مؤثری باشد برای تصویب قطعنامه های انجمن در اتحادیه ها افزایش ماهیت ضدکارگری رژیم اسلامی و رساندن صدای مبارزات کارگران کشورمان به گوش کارگران کشور مقیم، با تشکر از اعلام همکاریتان با انجمن، دستتان را بگرمی می فشاریم.

★ پروین عزیز - با تشکر از ارسال نامهتان، بسیار خوشحال شدیم که مشکلات شما برطرف شده و به سوئد رفته اید، ما منتظر نامه تان از سوئد هستیم.

★ دوستان مستقر در یونان - با توجه به اعلام همکاریتان با انجمن، استقرار تماس و ارتباط با شما برایمان از اهمیت خاصی برخوردار است. منتظر نامه های بعدی شما هستیم.

★ دوستان کارگر مستقر در ترکیه همانطور که در نامه اشاره داشتیم ما منتظر اطلاعات بیشتری از وضعیت کارتان در ایران هستیم تا بتوانیم از طریق اتحادیه ها اقداماتی در ارتباط با انتقالتان از ترکیه انجام دهیم.

★ رفقای مستقر در واحد کلن، فرانکفورت و هامبورگ - همانطور که قبلا بیان داشتیم، تلاش یک یک ما کارگران در تبعید امکان رسیدن ما را به اهداف تعیین شده ممکن خواهد ساخت. از این رو ما انتظار داریم که هرچه زودتر از طرف شما خبری دریافت کنیم.

★ ایرج و رفقای عزیز: دریافت نامه شما از سوئد و خبر پشت سر گذاشتن مشکلات اولیه تان باعث خوشحالی همگی ما شد، گزارشاتمی که در مورد مشاغل مختلف بود، دریافت داشتیم قطعاً مورد استفاده قرار خواهیم داد. ما نامه جداگانه ای برایتان ارسال داشتیم. همکاری شما با ما باعث خواهد شد که ما بهتر بتوانیم اهداف انجمن را پیش ببریم. سلام ما را به همگی رفقای تازه رسیده برسانید.

★ محمود عزیز، دانمارک: نامه شما همراه با نظراتان در مورد انجمن را دریافت داشتیم. نکات مورد اشاره شما در مورد پیشبرد کار انجمن، رهنمودی برای حرکت بهتر ما در آینده خواهد بود.

ما نشریات جدیدی را در مورد جنبش کارگری برایتان ارسال داشتیم.

★ عطای عزیز، هامبورگ: تماس و تلاش شما در مورد رساندن صدای مبارزات کارگران کشورمان مورد تشکر فرد فرد ماست. تبریک ما را بنسببت تولد پسرستان بپذیرید.

کارگران را به محل سکونتشان برساند. بنابراین آنها مجبورند یک شیفت کامل تا آمدن سرویس، کار کنند.

کارگران دائمی نیز ۲ تا ۳ روز در هفته اضافه کاری می کنند. علیه این سیاستهای ضد کارگری و شرایط غیر انسانی کار اعتراضات متعددی بویژه در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی صورت گرفته است. امچ این مبارزات و اعتصابات در آخر سالهای ۵۸ و اوائل ۵۹ بوده که مطالبات کارگران عمدتاً حول افزایش دستمزد، بهداشت محیط کار، آزادی نمایندگان دستگیر شده، بازگشت کارگران اخراجی به سرکار و سایر خواسته های کارگران بود. در این اعتراضات، کارگران کارخانه را اشغال کرده کارفرما را در توالی به مدت ۳ روز بازداشت می کنند و در همانجا به او غذا می دهند. بیش از ۴ مهندس را به شدت ضرب و روانه بیمارستان می کنند و به عنوان اعتراضی به سیاستهای ضد کارگری دولت دسته جمعی با سرویس به جلوی مجلس و نخبیست وزیری می روند، با پاسداری که کارخانه را محاصره و از ورود کارگران به محل کار جلوگیری می کردند در گیر شده و با جسارت و شهامت از بالای دربها وارد کارخانه می شوند و درها را به روی دیگر کارگران می کشانند. مجموعاً یک ماه تولید و فروش کارخانه را بدست می گیرند. کارگران کمونیست و انقلابی نقش اساسی در این مبارزات داشتند که

عده زیادی از آنها در سالهای گذشته دستگیر و یا اخراج شده اند. بطوری که کارگران در محافل خود از آنها به عنوان انسانهای شریف و مبارز کارگری یاد می کنند. مجموعاً کارگران کمونیست و پیشرو در بین کارگران از مقبولیت خوبی برخوردارند. در گفت و شنوده های دوستانه بحث حول ضرورت تشکل پذیری و تشکیل سندیکا به سرزبانهاست. اما به خاطر جو پلیسی و دستگیری و بویژه اخراج کارگران پیشرو هنوز کارگران موفق به عملی کردن این خواسته شان نشده اند.

انجمن اسلامی کارخانه نیز همچون سایر کارخانه های دیگر، نفوذی در بین کارگران ندارد و بویژه طی ده سال گذشته با نقشی که در سرکوبی اعتراضات کارگران و بویژه تحت فشار قرار دادن آنها برای رفتن به جبهه ها و مهار اعتراضاتشان به نفع حاکمان جمهوری اسلامی و کارفرما داشته اند، مورد تنفر شدید کارگران قرار دارند و فرقی بین این ارگان سرکوب با سایر ارگانها از جمله سپاه و کمیته که بارها طعم سرکوب آنها چشیده اند نمی بینند بنظر من اگر در گذشته انجمن ها و شورای اسلامی توانسته بود عطای از کارگران را فریب دهد، بیشتر بخاطر نقش ضد انقلابیون اکثریتی و توطئه ای در تبلیغ به نفع شورا و انجمن اسلامی بود.

اول ماه مه را به روز اعلام خواستهای کارگری 'طبقه کارگر مبدل کنیم

دنیاله ارسنحه ۱

آشتی ناپذیر اجتماعی است. اول ماه مه روز راه پیمائی، تظاهرات و گردمائی های کارگران است، روزی برای دادن آگاهی طبقاتی به میلیونها کارگر در سرتاسر جهان است.

طبقه کارگر غرب و اول ماه مه

اما مدتهاست که طبقه کارگر غرب روز اول ماه مه و روحش را فراموش نموده است. در انگلستان فاجعه تا بدانجاست که بورژوازی واژه اول ماه مه را برای اعلام خطر دریائی بکار می برد ولی همینجا گفته شود که پریشانی سخره کردن ماه مه معنائی وجود دارد - اول ماه مه واقعا برای بورژوازی خطرناک است.

طبقه کارگر ایران و اول ماه مه

تا آنجائیکه به طبقه کارگر ایران مربوط میشود مبارزه برای احیای بزرگداشت اول ماه مه حقیقتا مرکز ثقلی برای مجبور نمودن طبقه بورژوازی جهت برسمیت شناختن هویت طبقاتی کارگران بوده است در کشوری که حاکمان رژیم سرمایه داری به بحث تلاش کردند که حتی کلمه کارگر را انکار نمایند نشان میدهد که مبارزه کارگران ایران برای اول ماه مه چه معنائی داشته است.

پیروزی اول ماه مه در ایران

مبارزه طبقه کارگر ایران برای بدست آوردن تعطیلی روز اول ماه مه به سالهای ۱۹۲۵ بر میگردد. در آنموقع در اثر مبارزه کارگران شرکت نفت ایران و انگلیس، اول ماه مه بعنوان روز تعطیل رسمی اعلام شد. در این روز کارگران در بزرگداشت اول ماه مه کارناوالهای با شکوهی راه می انداختند. در این جشن ها هزاران کارگر با خانوادههایشان برای تماشای این مراسم در شهرهای خوزستان به خیابانها می ریختند. در بعضی از شهرهای خوزستان شهر کاملا تعطیل میشد.

بالاخره دولت در سال ۱۳۲۵ مجبور گردید که روز اول ماه مه را برسمیت شناخته و در قانون کار بعنوان روز کارگر بپذیرد. ولی بهرحال دولت در مقابل این پیروزی کارگران دست نگذاشت و سعی نمود در مقابل حرکت مستقل کارگران مراسم فرمایشی خود را ترتیب دهد. شاه در سالهای آخر حکومتش "نمایندگان کارگران" را در روز کارگران بحضور می پذیرفت و برایشان سخنرانی می نمود. اما کارگران عملا این مراسم فرمایشی را تحریم نموده و از هر طریق ممکن برای برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه استفاده می نمودند.

قیام شکوهمند بیست و دوم بهمن و بزرگداشت اول ماه مه

اول ماه مه سال ۱۳۵۸ تحت شرائطی برگزار گردید که طبقه کارگر نقش محوری در به ثمر رسیدن انقلاب داشت. اول ماه مه ۱۳۵۸ شکوهمندترین بزرگداشت اول ماه مه در تاریخ حیات طبقه کارگر ایران بوده است. در این روز صدها هزار کارگر در تهران و شهرهای دیگر راه پیمائی نموده و اجتماعات گوناگونی تشکیل داده، همبستگی خود با کارگران جهان را اعلام نموده و آرزوها و خواستهای خود را بیان داشتند.

در همان سال علیرغم اینکه حاکمان جدید سرمایه هنوز پای خود را محکم نموده بودند معینا سعی در مختل کردن بزرگداشت اول ماه مه نمودند. در اصفهان پاسداران به صف کارگران بیکسار تیراندازی نموده و یک نفر کارگر را بقتل رسانیدند. ولی بهرحال بخاطر توازن قدرت، رژیم نتوانست مانع برگزاری مراسم اول ماه مه بشود. در سال ۱۳۵۸ با عظمت ترین و پرشکوهترین بزرگداشت

اول ماه مه در تهران برگزار شد که صدها هزار کارگر در کنار هم قرار گرفتند و گوشه ای از عظمت خود را بچشم خود دیدند. این مراسم با اعلام شعارها و مطرح شدن خواستهای کارگران، بورژوازی تازه بقدرت رسیده را بهراس انداخت.

رژیم تصمیم گرفته بود که بعد از این، از برگزاری مراسم اول ماه مه جلوگیری نماید. ولی علیرغم دشمنی رژیم سال بعد نیز کارگران اول ماه مه را جشن گرفتند اگرچه در این سال ابعاد آن مانند سال قبل نبود.

ماشین سرکوب خمینی

رژیم جمهوری اسلامی از جنگ ایران و عراق استفاده نمود و ماشین سرکوبش را براه انداخت. بسیاری از کارگران مبارز اخراج، دستگیر، زندانی و یا اعدام شدند. خمینی با اعلام اینکه هر روز "روز کارگر است" دشمنی خود را با ماه مه اعلام نمود.

بربریت رژیم هرگز نتوانست توجه به اول ماه مه را از قلب و روح کارگران بیرون کند. کارگران از هر امکانی برای برگزاری بزرگداشت اول ماه مه استفاده نمودند. در چند سال گذشته علاوه بر برگزاری مراسم اول ماه مه در جمعهای متعدد کارگری، کارگران با پخش شیرینی ترتیب جشن تولد مراسم ازدواج ساختگی روز اول ماه مه را برگزار نمودند. در یکی از کارخانها کارگران مراسم تقسیم زمین برای خانه سازی را عمدا" در روز اول ماه مه انتخاب نموده و در این روز تعداد زیادی از خانوادههای کارگران و از جمله یکی از وزرا و مقامات دولتی را باین مراسم دعوت نمودند. بعدا" دولت متوجه این قضیه شد که بخاطرش تعدادی از کارگران دستگیر شدند.

در کردستان ایران که دولت مثل مناطق دیگر قدرتمند نبود چندین سال کارگران مراسم با شکوهی در اول ماه مه سازمان دادند. در این مراسم هزاران کارگر شرکت نموده و قطعنامه های رادیکالی را تصویب رسانیدند.

و سرانجام مبارزه کارگران برای برسمیت شناسدن اول ماه مه، رژیم جمهوری اسلامی را مجبور نمود که روز اول ماه مه را بعنوان روز کارگر برسمیت بشناسد.

طبقه کارگر غرب و سازش اتحادیهها با بورژوازی

نگاهی گذرا به بریتانیا نشان میدهد که وضعیت کاملا با ایران فرق میکند. بورژوازی در شرائط تاریخی معینی مجبور به سازش با طبقه کارگر شده است. در اینجا ظاهرا بورژوازی اول ماه مه را برسمیت شناخته است ولی در حقیقت چنین نیست نه تنها اول ماه مه تعطیل نیست بلکه از ماهیتش نیز خالی شده است اول ماه بسادگی تبدیل به یک روز تعطیلی اولین دوشنبه ماه مه گردید. در مقابل بورژوازی روزهایی متعددی دارد که یکی از آنها روز یادبود شهدا است که با احترام و عزت برگزار میشود چرا که این روزی است که طبقه کارگر بریتانیا در دو جنگ اول و دوم جهانی برای بقا حاکمیت سرمایه بکنسارگاه و سلاخی فرستاده شده، در این روز علاوه بر انجام رژه و مراسم متعدد به سنت بورژوازی عداوتی از مردم به سینه هایشان گل خشخاش سنجاق میکنند.

ما اعتقاد داریم که زنده نمودن اول ماه مه و روح ماه مه نشانه مهمی از بیداری و آگاهی طبقاتی کارگران انگلستان خواهد بود. از اینرو وظیفه فعالین جنبش کارگری است که در جهت منافع کل طبقه برای زنده نمودن اول ماه مه تلاش نمایند. باید روز اول ماه مه روز همبستگی طبقه کارگر انگلستان با طبقه کارگر جهانی و رز ترویح برای تغییر جامعه گردد.

گزارشی از کارخانه قفل سازی مهریا

دنباله از صفحه ۱

مورد نظرس به کارخانه فروخته و محصولات آن را نیز به تعاونیها و ابزار فروشیها می فروشد. یعنی تولید تحت کنترل دولت می باشد کارخانه دارای بخشهای مختلف است از جمله ریختهگری، پویش کاری، آبکاری و پرس کاری و بخش مونتاژ کاری که در آن عمدتاً از زنان کارگر استفاده می شود.

اکثر کارگرانی که در قسمت پرسکاری سنگین کار می کنند بدلیل سروصدای زیاد دستگاهها گوشهایشان سنگین و بعضی نیز کر شدهاند. از مورد قطع انگشتان نیز نمونههای زیادی در کارخانه پیش آمده در قسمت پرس سنگین که کارگر بخاطر کوچک بودن قطعات مجبور است با دستان خود آن را زیر پرس نگه دارد که این کار مداوم سبب وارد آمدن صدمات به کارگران بویژه قطع انگشتان می گردد. از سوی دیگر کارگرانی که زدن پارله های فصل را بعهده دارند، بدون استتار از ضعف بینایی رنج می برند، چرا که هر کارگر مجبور است حداقل روزانه ۶۰۰۰ قطعه را از زیر دستگاه پرس رد کند که هر قفل دارای ۶ پایه و پایهها با یکدیگر تفاوت دارند. تعداد کار انجام شده توسط کنترل هایی که به پرس متصل هستند کنترل می شود و برای اینکه شدت کار کارگران را بالا ببرند برای بالاتر از ۶۰۰۰ قطعه قطعهای ۵ تا ۴ تومان بعنوان بهرهوری پرداخت می کنند. کارگرانی هستند که روزانه ۸۰۰۰ قطعه را در زیر پرس قرار می دهند.

قسمت پولیش کاری - یکی دیگر از قسمتهای کارخانه است. در اینجا نیز اکثر کارگران مبتلا به بیماریهای ریوی هستند. تمیز کردن و سراق کردن قفلها و دستگیرها با ماده شیمیایی پولیش و دستگاههایی که سرعت می چرخند تمام ذرات پولیش و ذرات بسیار ریز فلزات را که ساینده می شوند در هوا معلق می کنند، به همین دلیل اکثر کارگران این بخش مبتلا به انواع و اقسام بیماریهای ریوی شدهاند.

آبکاری نیز یکی دیگر از قسمتهای خطرناک کارخانه از نظر بهداشت و ایمنی است که جان کارگران را در هر لحظه و دقیقه تهدید می کند. قفلها بوسیله انواع و اقسام اسیدها و ترکیبات متعدد شیمیایی آبکاری می شوند، به همین جهت کارگران در هر دم و بازدم مقداری زیادی از اسیدهای گوناگون را بصورت بخار بایوهای تند استنشاق می کنند، بطوری که کارفرما برای حفظ جان کارگران این بخش مجبور است هر ۵ ماه یکبار کارگران را برای کنترل به بیمارستان بفرستد با همه اینها اکثر کارگران مبتلا به بیماریهای ریوی شدهاند.

حال یکی از حوادث اتفاق افتاده در این قسمت خطرناک کارخانه را نقل می کنم: کارگری بنام ذبیح بعد از خوردن نهار در این قسمت ضمن استنشاق گازهای متعدد پخش شده در هوا در هنگام خواب بیوش می گردد. و وقتی او را به کلب آب سرد به هوش می آورند تکلمش را از دست داده بود او را به بیمارستان سرخ حصار که در -

روز اول ماه مه باید فرصتی برای به تصویب رساندن قطعنامهائی جهت لغو قوانین ضد کارگری و ضد اتحادیههای عملی شدن ۲۵ ساعت کار در هفته دستمزد برابر برای کارگران زن و مرد، حق بازنشستگی مناسب برای بازنشستگان و حقوق مناسب برای بیکاران و غیره باشد.

بداله خسرو شاهی

این مقاله در شماره ۲ مارس ۱۹۹۲ نشریه انترناسیونالیست - تردیونویست ها چاپ شده است .

نزدیکی کارخانه است منتقل می کند ، کارفرما و یکی از سر پرستان مدعی می شوند که کارگر مذکور از ابتدا قدرت تکلم نداشته است و آنها برای رضای خدا او را استخدام کردهاند. در روز سوم بستری شدن ذبیح هم اتاقی او که کارگر روانی بوده (که حطی می زخم او هم در اثر شرایط طاقت فرسای کار و مشکلات زندگی روانی شده بود) از پنجره طبقه دوم بیمارستان خود را به بیرون پرتاب می کند. ذبیح با دیدن این صحنه به هیجان آمده و نا آگاهانه فریاد می زند. دکترها دور او جمع می شوند و ذبیح ضمن بیان کار و زندگیاش جریسان لاله شدنش را بازگو می کند. بعد علیه کارفرما به اداره کار شکایت می کند. اما کارفرما با دادن رشوه دکتر و بهیارها را می خرد و کارگران نیز بخاطر ترس از اخراج و بیکارسازی حاضر به دادن شهادت علیه کارفرما نمی شوند. ذبیح به ناچار بعد از چند هفته به کارخانه باز می گردد. کارفرما نیز برای بستن دهانش او را سرپرست آبکاری می کند.

در این کارخانه متأسفانه بیشتر کارگران بیسوادند و سطح دستمزد آنان بسیار پائین است. کارگری با ۲۰ سال سابقه کار روزانه ۱۴۰ تومان و بار ۱۲ سال سابقه کار ۱۲۴ تومان دریافت می کند. اضافه کاری نیز طبق معمول همه کارخانه ها بشدت وجود دارد و دورهای است . به طوری که کارگران به منظور تأمین معاششان برای اضافه کاری با یکدیگر رقابت می کنند. از همه دردناکتر وضع زنان کارگر می باشد که با کمترین حقوق و مزایا در بخش مونتاژ کار می کنند. کار شاق و سرعت زیاد موجب تغییراتی در اندام آنها می شود. کارگرانی هستند که با وجود ۴۵ سال سن هنوز ازدواج نکردهاند.

اوج مبارزات کارگران علیه شرایط غیر انسانی زندگی شان در سالهای ۵۸ و ۵۹ بود که منجر به يك دوره اعتصاب و کم کاری مداوم شده کارگران با سپاه درگیر شده و نزدیک يك هفته بدون مدیریت کارخانه را اداره می کنند، اما بعد از ۳۰ خرداد یورش لجام گسیخته جمهوری اسلامی به حقوق کارگران آغاز می شود. عده زیادی از کارگران مبارز و انقلابی اخراج می شوند. با همه اینها تا سال ۶۴ کارخانه هنوز حتی شورای اسلامی نداشت و انجمن اسلامی آن بیشتر از چند نفر نبودند. از سال ۶۴ کارگران با اعتراضات در جمع های خودبخودی و در مواقع مناسب مسئله طرح طبقه بندی را مطرح می کنند. بهرحال کارفرما و اداره کار برای اجرای طرح طبقه بندی مجمع عمومی را ترتیب می دهند اما به جای طرح طبقه بندی مسئله تشکیل شورای اسلامی و انتخابات حول آن را سازماندهی می کنند. در انتخابات از ۱۲۰ -

کارگر ۸۰ کارگر رای سفید به صندوق می اندازند. نماینده اداره کار و سپاه با تهدید وقت دیگری برای انتخابات تعیین می کنند. سرانجام زیر نظر مزدوران مسلح سپاه و با تهدید و سواستفاده از بیسوادی عده زیادی از کارگران انتخاب فرمایشی شان را برگزار می کنند. با همه اینها باز ۳۰ نفر از کارگران رای های سفید می دهند. در نهایت به جای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل طرح انتخابات شورای اسلامی اجرا می شود. در سال ۶۶ تعداد دیگری از کارگران را تصفیه کردند.

اینجا نیز همچون دیگر کارخانهها برای ارشاد کارگران به کار بیشتر برای رضای خدا و راضی نگهداشتن کارفرما بعد از ظهر پنجشنبه ها برای نماز، آخوندی به کارخانه می آید تا سهم خود را از استثمار کارگران دریافت کند. هر نیم ساعت ۱۰۰۰ تومان و موقع رفتن هدایایی از طرف کارفرما مثل گوشت و مرغ دریافت می کند. در این کارخانه نیز مسخره کردن آخوند به تفریحی برای کارگران تبدیل شده است.

اشاره کوتاه به معیار کارگری

دنباله از صفحه ۱

غیر اینصورت این واژه در مورد آنها صادق نمی باشد و هرگونه حرکت آنها تحت عنوان "کارگران تبعیدی" بی معنی است. با مطرح شدن این موضوع متأسفانه برخی از اعضای "کارگران تبعیدی" نیز رفته رفته بنا به همان دلایل باورشان شده که اصطلاح "کارگران تبعیدی" در جهت حرکت ما درست نمی باشد. این مسئله مرا ترغیب کرد تا اشاره کوتاهی به این موضوع داشته باشم. همانطور که پیداست، نظریه و دلایلی که از سوی صاحبان عقیده مذکور ذکر شده بروشنی نشان می دهد که هیچگونه معیار و جایگاه طبقاتی برای کارگران در مقابل سرمایه داران قابل نیست. بنابراین ترک، کارگرانی که تحت سیستم سرمایه داری بیکار شده اند، کارگرانی که توسط سرمایه اخراج شده اند، کارگرانی که در اثر مبارزه در کشورهای سرمایه داری (پایزگیهای استبدادی مانند ایران) بنابه خطراتی که برای آنها وجود داشته، امکان استقرار و ادامه زندگی و مبارزه در کشور را از دست داده و از اینرو ناچار به ترک دیار شده اند، بنا به نظر و نگرش آنها همگی هویت کارگری خود را از دست داده و بنابراین دیگر کارگر محسوب نمی شوند. اصطلاح (کارگر) دیگر شامل حال آنها نمی شود، تنها به این دلیل که اینها در تولید نقش ندارند. اگر نظر آنها را بطور دقیق مورد توجه قرار دهیم در می یابیم که بطور مثال به کارگرانی که در زندان هستند، دیگر نباید گفت "کارگر زندانی"، یا کارگرانی که بیکار هستند نباید گفت "کارگران بیکار". همچنین به کارگرانی که ناچار به ترک محیط زندگی خود شده و از کشور خارج گشته اند (یعنی در واقع تبعید شده اند) نباید عنوان "کارگران تبعیدی" اطلاق شود. وقتی سؤال میشود چرا؟ پاسخ داده می شود بدلیل آنکه اینها در تولید نقش ندارند!

بنظر من، اینها دقیقا در خدمت سرمایه داری عمل می کنند چرا که: اولاً: از نظر تئوری این افراد کارگران را بعنوان مشخص و یک طبقه در نظر نمی گیرند، بلکه آنها را مجرد می دانند. یعنی ترک نمی کنند که هویت کارگران در مقابل سرمایه یک هویت اجتماعی است که از شیوه زندگی، حرکت و مبارزات آنها نشئت گرفته است، نه صرفاً "از وجود فیزیکی آنها در یک کارگاه و یا کارخانه و به اصطلاح شرکتشان در تولید بلاواسطه. حال اگر ما یک سرمایه دار را در نظر بگیریم، دقیقا" همین ادعای مورد نظر را نیز دارد. یعنی تنها کسی را به عنوان کارگر می شناسد که بطور مستقیم و بلاواسطه برای او ارزش اضافی تولید می کند، او، به کارگر بیکار، کارگر اخراجی، کارگری که از محیط کارخانه به بیرون برتاپ شده، خوش ندارد عنوان کارگر را اطلاق کند.

ثانیاً: پیش از این، از نظر عملی با خارج نمودن برخی از کارگران از جدول کارگری خود و بخش بخش و جدا نمودن آنها، کارگران را بعنوان یک نیروی واحد که می توانند در مقابل سرمایه داران بصورت مشکل عمل کنند، نمی پذیرد. از این جهت نیز دقیقا سرمایه داران همین را می خواهند و آن را عمل می کنند. آنها نیز از ترس اینکه کارگران بشکل ارگانیک مبارزات خود را به پیش برند آنها را به عناوین مختلف از یکدیگر جدا می کنند. از جمله بیکار کردن بخشی از کارگران، اخراج کردن، زندانی کردن، تبعید کردن و همچنین در زمان اعتصاب، انتقال بخشی از آنها به قسمت های دیگر، جهت کنترل و سرکوب بهتر اعتصاب.

ثالثاً: این دردلناحرافی در نتیجه منطقی خود جلوی اتحاد کارگران

را در روند مبارزه میگیرد و آنها را در جهت پسیفسم و انفعال سوق می دهد.

برای روشن شدن چگونگی آن به چند مورد اشاره می کنم:

مورد اول: کارگرانی که در تولید نقش دارند نباید به حمایت از همکاران خود که برای دفاع از حق و حقوقشان در زندان بسر می برند دست به مبارزه بزنند، چرا که آنها در جریان تولید نقش ندارند، و متقابلاً کارگران که در زندان هستند نیابستی در مقابل شکنجه ها و اجحافات رژیم از موضع طبقاتی خود دفاع کنند، برای اینکه دیگر کارگر محسوب نمی شوند و حتی عنوان کارگر را هم نباید بخود اطلاق کنند، چرا؟ چون آنها در جریان تولید نیستند!

مورد دوم: کارگرانی که در تولید نقش دارند لزومی ندارد به حمایت از همکاران خود که بتوسط عوامل سرمایه اخراج شده اند مبارزه کنند، چرا؟ چون آنها دیگر در تولید نقش ندارند و کارگر محسوب نمی شوند و همکاری تولیدی ندارند و متقابلاً کارگرانی که بیکار شده اند دیگر کارگر محسوب نمی شوند و نباید هیچگونه احساس همکاری با کارگران شاغل را داشته باشند.

مورد سوم: کارگرانی که با سالها سابقه کارگری، تحت تعقیب رژیم قرار گرفته اند و هر آن امکان دستگیری آنها وجود داشته و بناچار زندان خود را ترک کرده اند و به کشورهای دیگر پناهنده شده اند، براساس گفته این افراد، نباید حواستما و مطالبات همکاران خود را در ایران و از اینرو از منافع طبقاتی خود دفاع کنند. نباید هیچگونه احساس همدردی و عاطفی با همکاران داخل کشور خود داشته باشند، و از همه مهتر نباید هویت کارگری خود را حفظ کنند و فعالیت کارگری در شرایط شخصی اینجا داشته باشند، بلکه نامسجم و ناتوان دنباله رو گرایشات دیگری باشند و در درون آنها حل شوند، یعنی دنباله رو جریاناتی باشند که هیچگونه منافع مشترک با آنها ندارند، چرا؟ به دلیل اینکه کارگر محسوب نمی شوند، چون در تولید نقش ندارند!

با توجه به اشاراتی که در بالا شد، بنظر من کارگر فقط کسی نیست که نیروی کارش را در آن واحد و در شرایطی بفروش برساند (یعنی مستقیماً در تولید نقش داشته باشد)، بلکه نیز بالقوه هم باید معنی پیدا کند.

یعنی کسانی که هم اینکه در تولید نقش ندارند، اما چیزی به جسم نیروی کارشان نیز برای فروش در اختیار ندارند، در مقابل، سرمایه دارها حاضر به خرید نیروی کار آنها نیستند چرا که خصلت سرمایه ايجاب می کند تا برای تهدید کارگران شاغل، نیروی ذخیره کار را در اختیار داشته باشند. ما معتقد هستیم که رابطه میان کارگران و سرمایه داران می باید مشخصاً در نظر گرفته شود و مبنای آن حرکات مبارزاتی کارگران و هویت اجتماعی آنان می باشد. تنها بر مبنای این اصل است که کارگران می توانند در مقابل دشمن طبقاتی خود مبارزات خود را بصورت ارگانیک پیش ببرند. ما کارگران تبعیدی در خارج از کشور هم باید در حد توانمان همگام با یکدیگر وظایف اجتماعی و طبقاتی خود را به پیش ببریم و هرگونه سم پاشی انحرافی، را روشن و برملا سازیم.

غ - آ

رابطه خودمان را با کارگران داخل

و خارج کشور مستحکم کنیم

شرکت سرمایه‌گذاریهای تأمین اجتماعی

- بر طرف شد. زیرا مهندس بجنود علاوه بر مدیریت عامل شرکت سرمایه‌گذاریهای تأمین اجتماعی، مدیر عامل بنیاد رجا نیز هست. مؤسین این بنیاد:
- ۱- طهماسب مظاهری (رئیس بنیاد مستضعفان سابق)
 - ۲- اسدالله بیات (نماینده مجلس)
 - ۳- محمد نادی (نماینده مجلس)
 - ۴- محمد تقی بانکی (وزیر نیرو سابق - مدیر عامل فولاد)
 - ۵- محمد محسن سازگارا (معاون وزیر صنایع سنگین و رئیس سازمان کسترش و مدیر عامل تعاونی مطبوعات)
 - ۶- اصغر کاشانی (مدیر مالی بنیاد مستضعفان سابق)
 - ۷- ابوالقاسم جمشیدی (مدیر مالی بنیاد مستضعفان)
 - ۸- مجتهد شیمتری
 - ۹- دکتر سروش (ایدئولوگ معروف جمهوری اسلامی)
 - ۱۰- دکتر نواب مطلق (معاون وزیر دارائی سابق و حاضر)
 - ۱۱- محسن نوربخش (رئیس بانک مرکزی سابق - وزیر دارائی فعلی)
- لازم به توضیح است که بعداً شرکت‌های تحت پوشش بنیاد رجا (رجای بازرگانی - رجای صنعتی - رجای کشاورزی - رجای خدماتی - رجای فرهنگی تأسیس شد.
- ۷- همکاری نزدیک با برادر ابوالقاسم جمشیدی رئیس سازمان آمار و سرشماری کشور. از طریق همین فرد آمار دقیق به مدیریت شرکت سرمایه‌گذاریهای تأمین اجتماعی می‌رسید تا این شرکت بتواند با مطالعات دقیق و جمع‌آوری نقدینگی و انباشت مجدد پول برنامه‌ریزی کند از جمله در آن سال و سال ۶۵-۶۶ - جمعیت شهر تهران و کرج بطور محرمانه ۱۸ میلیون نفر گزارش شده بود. که تازه واردین به شهر کرج از بعد از انقلاب ۷۰-۷۱ را ۱۷۵۰۰۰ نفر برآورد شده بود. وی از طریق همین اطلاعات بود که توانسته دو کارخانه جهت تبدیل و تسویه کاغذهای باطله و رزین و پلاستیکهای فرسوده را جمع و آبکسرد و بصورت خصوصی بفروش برسانند.
 - ۸- کمک بلاعوض به راه‌اندازی عملیات مصلاهی بزرگ تهران به مبلغ ۱۲ میلیون تومان.
 - ۹- سرمایه‌گذاری خصوصی توسط یکی از بستگان بسیار نزدیک بجنود که قزوینی بود و از سرمایه‌داران شهر قزوین است و صدور پوست گاو و گوسفند به کشور ایتالیا.
 - ۱۰- سرمایه‌گذاری و داشتن مجوز فروش بخشی از محصولات کسرو تن ماهی در جنوب کشور.
 - ۱۱- سرمایه‌گذاری و داشتن مجوز صدور خاکهای معدنی از طریق اتاق بازرگانی توسط خاموشی.

سازمان تأمین اجتماعی در سال ۶۴-۶۵ در سطح تهران و حومه تعداد ۸٫۰۰۰ میلیون دفترچه بیمه و خدمات درمانی صادر کرد، در همین سال نقدینگی این سازمان جدای از هزینه‌های سالیانه و هزینه‌های متفرقه و هزینه‌های برآورد نشده از مرز ۳۰ میلیارد تومان گذشته بود. بر اساس انباشت این نقدینگی‌ها که در حقیقت از خسون و گوشت کارگران ایران جمع شده بود شرکتی بنام (شرکت سرمایه‌گذاریهای تأمین اجتماعی) در تهران - خیابان تابناک - نرسیده به ایستگاه تلویزیون میدان آرژانتین ایجاد شده که مدیریت عامل آن با شخصی بنام مهندس بجنود از نزدیکان میرحسین موسوی بود.

در همان زمان سرورصدایی بین گردانندگان حکومت اسلامی نسبت به انباشت نقدینگی در سازمان تأمین اجتماعی راه افتاده بود که کمتر به بیرون نریز می‌کرد.

در زیر بخشی از برنامه ریزی‌های شرکت سرمایه‌گذاریهای تأمین اجتماعی و تعدادی از عملیات این سرمایه‌گذاری‌ها را می‌آوریم (این اطلاعات مربوط به قبل از سال ۶۷ است)

- ۱- همکاری با شرکت سرمایه‌گذاری بنیاد مستضعفان که زیر نظر علی اصغر کاشانی و ابوالقاسم جمشیدی دو تن از نزدیکان طهماسب مظاهری رئیس بنیاد مستضعفان سابق جهت سرمایه‌گذاری از جمله خرید احضار پوست گاو و گوسفند و صادر کردن آن به ایتالیا.
- ۲- سرمایه‌گذاری در بانک صادرات مرکز ببلغ ۲۵ میلیون تومان.
- ۳- سرمایه‌گذاری در راه‌اندازی و تأسیس یک گاوآوردی مدرن در میناب بندر عباس با همکاری یک شرکت دانمارکی و یکی از سرمایه‌داران معروف قزوین از بستگان نزدیک مهندس بجنود.
- ۴- تهیه نوشابه برای رانندگان ایرانی در عربستان سعودی از طریق یک شرکت آلمانی و با سرمایه‌گذاری شرکت سرمایه‌گذاریهای تأمین اجتماعی که در زد و بند با سرپرست تدارکات سازمان حج و زیارت در این مناقصه برنده میشود. ۹ میلیون قوطی نوشابه از مونیخ به عربستان فرستاده میشود. بر اساس گفته‌های رئیس حسابداری این شرکت سود خالص برای شرکت سرمایه‌گذاریهای تأمین اجتماعی مبلغ چهارده میلیون و هفتصد و پنجاه هزار تومان است.
- ۵- دریافت مجوز از وزارت بهداشت و درمان و وارد نمودن بعضی از لوازم پزشکی بطور آزاد و فروش آن در سطح کشور به نرخ آزاد. از جمله سرنک - لوازم دندان پزشکی - دستکش بهداشتی و موتور برق برای درمانگاه‌های خصوصی.
- ۶- از طریق همین شرکت سرمایه‌گذاریها، بخش عظیمی از نیاز مالی بنیاد تازه تأسیس شدهی (بنیاد رشد جامعه اسلامی ایران - رجا)

اطلاعیه هیئت هماهنگ‌کننده انجمن

آماده است با تمامی افراد و سازمانهای مترقی همکاری لازم را در چهارچوب اهداف و پلتفرم خود داشته باشد، از هرگونه فرصت طلبی در این موارد جلوگیری بعمل آورده و در صورت مشاهده چنین مسائلی برخورد لازم را انجام می‌دهد.

هیئت هماهنگ‌کننده انجمن

اخیراً تعدادی از دوستان از کشورهای مختلف از ما سؤال کردند که آیا انجمن وابسته به گروه و یا سازمان خاصی است و یا اصولاً از سیاست و خط و مشی گروهی خاص پیروی می‌کند؟ برای روشن کردن این موضوع باید یادآور شویم، همانطور که در اساسنامه انجمن آمده، تشکل ما یک تشکل کارگری مستقل و جدا از تمامی احزاب و گروهها و سازمانهای موجود بوده و ضمن آنکه

مانور جدید رژیم اسلامی در مورد تشکلات کارگری

از شواهد جنین برمیآید که رژیم پس از چندین سال سرکوب جنبش کارگری، کم کم به بعضی از رشته ها پیشنهاد کند که میتوانند دست به ایجاد تشکل از جمله سندیکا بزنند. همانطور که قبلا نیز یادآوری شد، در گذشته نیز در شهرداریهای بیست گانه تهران مجمع نمایندگان کارگران بوجود آمده و برای ایجاد شورا در صنایع نفت گردانندگان خانه کارگر با وزیر نفت درگیر شدهاند و امکان تعویفی ایشان بعد از انتخابات از بحثهای درونی نفت است. در رسانه های گروهی رژیم نیز گاهها "مطالب و اطلاعاتی هایی در زمینه تشکلهای کارگری" بچشم میخورد.

سؤالات زیادی در این مورد میتوان مطرح کرد از جمله اینکه چقدر وضع جدیدی پیش آمده که رژیم تن به این کار داده است؟ آیا در ماهیت رژیم تغییری حاصل شده؟ آیا رژیم واقعا قصد دارد وجود تشکل مستقل کارگری را تحمل کند؟

مگر همین رژیم از زمان استقرارش تمامی سعی و کوشش خود را برای نابودی جنبش کارگری بکار نبرد و با فتوای امامش تمامی تشکلات کارگری را منحل اعلام نکرد؟ مگر نه فتوای تحمّن حرام و اعتصاب حرام و کم کاری حرام را در سر لوحه کار خویش قرار داده بود؟

مگر نه اینکه همین رژیم طی ۱۳ سال حکومت، هرگونه حرکتی را در راستای متشکل کردن کارگران با بیرحمی تمام سرکوب کرده و دشمنی خود را بوضوح بکارگران نشان داده؟ سر چه معجزهای بیفروع پیوسته کند اینک اکبر شاه به فکر ایجاد تشکلات کارگری افتاد؟

آیا رژیم نمیداند که ایجاد تشکل و متحد شدن کارگران برایتش مشکلات زیادی بوجود میآورد؟ آیا نمیداند ایجاد تشکل، بازگو کردن خواستهها بطور علنی، جلسات بطور علنی، ابراز نظرات را بطور علنی بدنبال دارد؟

از طرفی بنا بر اخبار دریافت شده، گفته میشود که سازمان بین‌المللی کار رژیم را تحت فشار قرار داده که اجازه دهد کارگران تشکلات خود را بوجود آورند و نام‌هایی به مسئولین رژیم فرستاده که یکی از بحثهای مسئولین وزارت کار در این مورد بوده است، آیا این موضوع باعث تن دادن رژیم بد تشکلات کارگری شده است؟ واقعیت این است که چرخش رژیم بد خاطر هیچیک از این مسائل نبوده است.

جمهوری اسلامی پس از ۸ سال جنگ و ویرانی کشور، در حال حاضر برای بازسازی کشور احتیاج مبرمی بد سرمایه گذاری در صنایع دارد و باستانی صنایع ویران شده را بازسازی کرده و صنایع جدیدی را بسازد، اما با توجه بد اقتصاد ورشکسته اش، رژیم نگاه نقطه اتکا خود را برای برون رفت از این بحران، تشویق سرمایه‌داران خارجی برای سرمایه گذاری در داخل ایران قرار داده است و برای دستیابی بد این هدف، احتیاج مبرمی بد این دارد که همانند رژیم گذشته، ایران را از نظر سرمایه‌داران بد جزیره ثبات و آرامش مبدل کند. تا آنها با خیالی آسوده اقدام بد سرمایه گذاری در ایران کنند.

جمهوری اسلامی در گذشته فکر می‌کرد با ایجاد تشکلهائی چون انجمنها و شوراهای اسلامی، و سرکوب حش کارگران میتواند جلو حرکات و اعتراضات کارگران را بکشد، اما در این مدت برایتش مسلم شد که جد در کارگاهها و کارخانجاتی که شورا و انجمن وجود دارد و چه در آنجا که این تشکلات حاسوسی وجود ندارند، کارگران دست بد اعتراف و اعتصاب زده و با رژیم درگیر شدهاند و این ارکانهای حاسوسی نیز قادر بد کنترل حرکات اعتراضی کارگران نبوده و تنها پس از اعتصابات و اعتراضات در جهت جواباندن اعتصاب کوشیدند و فعالین کارگری را شناسائی و بد رژیم معرفی کردند.

با توجه بد اینکه جمهوری اسلامی دیگر بد این شکل قادر بد کتسر محیطهای کارگری نیست اکنون بد خیال خود دست بد حرکت جدید زده و از در دیگری وارد شده و همانطور که در جلسائی در هانوسر بر آن تاکید داشتیم، بد این نتیجه رسیده که بایستی بشکل دیگری حرکات و تشنجات کارگری را کنترل کند. و آن اینکه اجازه دهد، کارگران تشکلات خود را در سطوح کارگاهها و کارخانجات بوجود آورند و گروهی را برای نمایندگی انتخاب کنند و از طریق مهار کردن این منتخبین بد راههای مختلف جلوی حرکات کارگری را بگیرد.

رژیم فکر میکند چون در گذشته در کارخانجات تشکل منتخب خود کارگران وجود نداشت، کارگران مخفیانه تصمیم بد حرکت می‌گرفتند و میدید که یکروز همه کارگران یک صنعت یا کارخانه و کارگاه دست از کار کشیدند، از این راه با عمل انجام شدتای روبرو می‌شد. اما وقتی در یک محل کارگری تشکل مورد قبول کارگران وجود داشته باشد، مسئولین این تشکله و وظیفه دارند که خواستهها، نظرات و مشکلات کارگران را با آنها در میان گذارند و همین گروه منتخبین کارگران در مقابل رژیم پاسخگوی حرکات کارگری هستند. بنابراین میتواند با ترساندن کسانی که توسط کارگران انتخاب شدهاند، اگر بتواند با خریدن آنها، یا در نهایت اخراج و زندانی کردنشان جلوی حرکات کارگری را بگیرد و یا حداقل قبل از هر حرکتی از آن با خبر شود و سکی آن را مهار کرده و محیط را برای سرمایه گذاری خارج آماده کند.

از طرف دیگر رژیم فکر میکند با اعلام اینکه کارگران میتوانند تشکل مستقل خود را داشته باشند، فوراً کارگران مبارز و آگاه جلودار شده، خود را کاندید نمایندگی میکنند و از این طریق دست بد شناسائی مبارزین بخشهای مختلف کارگری زده و آنها را بشکلی از صحنه مبارزه خارج میکند. همچون انتخابات دور اول مجلس شورای اسلامی و حرکات که اکثر گروهها و سازمانهای سیاسی، نام و نشانی و محل سکونت کاندیدائی خود را با نمونکی شناسنامه عکس دار آنها بد رژیم تحویل دادند و جمهوری اسلامی پس از شناسائی کامل همه را از دم تیغ گذراند، بدین ترتیب برای مدتی خود را از تشنجات کارگری رها کرده و زمینه را برای سرمایه‌گذاران خارجی فراهم میکند.

از این رو وظیفه اصلی کارگران مبارز و آگاه در این مقطع این است که تربیت حرکت ظاهری رژیم را نخورند و مطمئن باشند که این رژیم هیچگونه تغییری در ماهیتش حاصل نشده و تنها برای رن سنگانهائی موجود اقتصادی خود تن بد این حرکت داده و میخواهد از این طریق چند صاخی دیگر بد حکومت ننکین خود ادامه دهد.

کارگران مبارز و آگاه و رهبران علمی جنبش کارگری همچون سالهای ساه گذشته بایستی کمیتههای مخفی خود را حفظ و توسعه دهند. با صنایع و کارخانجات دیگر از طریق همین کمیته ها ارتباط گسردستری برقرار کنند بد شیخ عنوان خود داوطلب و کاندید نامسذکی نشده و کارگران فعال و مورد اضمینان را که رژیم هیچگونه حساسیتی روی آنها ندارد بد وصل کردن آنها بد کمیتههای مخفی کاندید نامسذکی کرده و از طریق سنج کارگران و حمایت از نمایندگان منتخب، خواستهها و نظرات کارگران را بد پیش بربند.

وظیفه فعالین علمی جنبش کارگری در این مقطع حساس که میتواند کس نقطه شروع حرکت برای ایجاد تشکلهای ساسری و بایدار کارگری میباشد، این است که با درایت و حفظ شدید مسائل امنیتی کمیتههای مخفی را هر حد بیشتر گسترش داده و آنها را با کارخانجات دیگر مرتبط کرده و با جسم انداز ایجاد تشکل سراسری کارگری حرکت خود را بد پیش

فعالیت‌های انجمن ما

که مدعی همبستگی با کارگران هستند، تشریح شود و در این مورد نظر رفقای ما را درباره "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" (CODIR) و حزب توده جویا شدند.

نمایندگان انجمن پس از توضیحاتی تاکید کردند که انجمن تشکیلی است کارگری و مستقل و به هیچ جریان سیاسی وابسته نیست و تصریح نمودند که ما با هر جریان سیاسی که به طبقه کارگر ایران ضربه نزده باشد، در راستای اهداف و اساسنامه انجمن همکاری می‌کنیم و اساساً ما با اپوزیسیون مترقی ایران رابطه حسنه داریم.

پس از این مقدمات بحث اصلی حول قطعنامه پیشنهادی انجمن پیرامون اخراج جمهوری اسلامی آغاز شد. نمایندگان انجمن پس از شرح قطعنامه، از اتحادیه نعلگو خواستند آنرا در کنفرانس سالیانه خود تصویب کند. معاون مسئول امور بین‌المللی اتحادیه نکاتی را که شامل فشرده‌ای از مدارک و اطلاعات درباره پشتیبانی از قطعنامه انجمن بود، به علاوه مدارکی از مرکز بین‌المللی حقوق اتحادیه‌ای (ICTUR) و مدارکی که از نشریات دیگر اخذ شده بود را در اختیار نماینده انجمن قرارداد. و در اینباره تصریح نمود که اینها پایه‌های اعتراضی به کنفرانس بین‌المللی کار (ILO) خواهند بود. قرار شد که نظرات انجمن در مورد این مدارک روشن شود و به همراه اطلاعات زیر در اختیار معاون مسئول بین‌المللی نعلگو قرار داده شود:

- ۱- ترجمه قانون شورای اسلامی کار، صوب مجلس شورای اسلامی و اینکه روشن شود که در این قانون تنها افرادی می‌توانند نماینده شورا شوند که مسلمان بوده و التزام عملی به ولایت فقیه داشته باشند
- ۲- نمودار تشکلات شوراهای اسلامی کار،
- ۳- ترجمه اساسنامه و اهداف و برنامه انجمن،
- ۴- فتوکی قطعنامه‌هایی که تاکنون در اتحادیه‌های مختلف برای اخراج نمایندگان رژیم ایران از کنفرانس بین‌المللی کار بتصویب رسیده است.

در این جلسه توافق گردید که مسئله مهم مطرح شدن مفاد اساسی قطعنامه در کنفرانس بین‌المللی کار است. و رفقای انجمن بار دیگر بر روی این مسئله تاکید نمودند که هدف اصلی، افشای ماهیت ضد کارگری رژیم ایران و اخراج نمایندگان آن از کنفرانس بین‌المللی کار است.

در خانه ضمن تشکر از نمایندگان این اتحادیه تقاضا شد که جلسات دیگری نیز در این مورد برگزار گردد که مورد توافق قرار گرفت. پس از آن نامه‌ای تشکر آمیز از طرف انجمن به اتحادیه ارسال شد.

به موازات فعالیت‌های مستمر انجمن کارگران تبعیدی جهت شناساندن ماهیت ضد کارگری جمهوری اسلامی به شکل‌های کارگری اروپا و مذاکره با آنها پیرامون اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی از کنفرانس بین‌المللی کار، در تاریخ ۱۱ فوریه ۹۲ نیز، نمایندگان انجمن نشستی با مسئولین امور بین‌المللی اتحادیه نعلگو داشتند.

در این نشست که بدعوت اتحادیه نعلگو - که یکی از بزرگترین اتحادیه‌های کارکنان شهرداریها، خدمات و آب و برق و گاز در انگلستان و دارای ۷۵۰ هزار عضو می‌باشد - صورت گرفت، ۳ تن از هیئت هماهنگ کننده انجمن به مدت ۱۵۰ دقیقه با اعضای بلند پایه این اتحادیه مرکب از عضو کمیته اجرایی سراسری آن که مسئولیت ارتباط کارگران خاورمیانه را به عهده دارد و همچنین معاون امور بین‌المللی این اتحادیه و دبیر شاخه شهر نیوکاسل اتحادیه نعلگو به بحث و تبادل نظر پرداختند.

موضوع مشخص این جلسه گفتگو پیرامون طرح قطعنامه پیشنهادی انجمن در مورد اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی از کنفرانس بین‌المللی کار و تصویب آن در کنفرانس سالیانه اتحادیه فوق بود.

خلاصه این مذاکره به قرار زیر است:

ابتدا نمایندگان انجمن با ذکر تاریخچه کوتاهی از فعالیت ایرانین در خارج کشور قبل از انقلاب، به تحول کمی و کیفی این فعالیتها پس از انقلاب ۵۷ اشاره نمودند. آنگاه با یادآوری این موضوع که در حرکت توده‌ای انقلاب ۵۷، طبقه کارگر ایران نقشی مهمی ایفا نمود، بر روی این مؤلفه تاکید شد که بعد از سرنگونی شاه کارگران ابتدا برای استقرار تشکلهای مستقل خود تلاش کردند اما با تسلط حاکمان جدید با مخالفت دستگاه حاکمه و سرکوب روبرو شدند. وسعت شرکت کارگران در حرکات اجتماعی آنقدر چشمگیر بود که حتی اعدام و دستگیری فعالین کارگری توسط رژیم جدید نیز نتوانست همگی کارگران را سرکوب کند و گروهی توانستند بشکلی از دست او بگریزند و به دیگر کشورها پناهنده شوند. از اینرو بر خلاف سالهای قبل از انقلاب که تنها روشنفکران به خارج از کشور پناه می‌آوردند، اینبار کارگران نیز بخارج آمدند و این در طول تاریخ ایران تقریباً بیسابقه است.

با توضیحات بالا، زمینه‌های تشکیل انجمن کارگران پناهنده

(تبعیدی) و ساختار و اهداف آن به اطلاع رسید. و سپس بر روی این نکته تاکید شد که قبلاً" به دلیل نبود فعالین کارگری در خارج کشور، سازمانهای سیاسی به جای آنان صحبت می‌کردند ولی اینک خود فعالین کارگری با تشکیل انجمن در نظر دارند، بدون واسطه، با اتحادیه‌ها و بقیه کارگران ارتباط بگیرند.

بحث در این زمینه مورد توجه نمایندگان اتحادیه قرار گرفت و آنها خواستند که اصولاً" تفاوت انجمن کارگران تبعیدی با سایر تشکلاتی

در این تشکلهای، با درس آموزی از شوراهای کنترل کارگری در انقلاب بهمن، برای ایجاد نطفه‌های اولیه یک تشکل سراسری و پایدار به پیش خواهند رفت و با مطرح کردن خواسته‌های ملموس و مشکلات عینی کارگران، در جهت بسیج و یکپارچه کردن حرکات کارگری در سطح کشور گامهای اساسی بر خواهند داشت و به خوبی به این مسئله واقفند که با بودن چنین رژیمی هیچگاه طعم آسایش و آسودگی و رفاه را نخواهند چشید.

بیدالله

برند. فعالین عملی جنبش کارگری تجربه انقلاب را همواره مد نظر داشته و فریب شعارها و حرکات ردیانه رژیم را نمی‌خورند و به خوبی می‌دانند که تنها بدلیل شدت مبارزه و اعتصابات مکرر کارگران بوده که رژیم ناچار شده برای مهار کردن آن تن به قبول تشکل کارگری بدهد و در این راه نیز اهداف شومی را دنبال می‌کند و می‌خواهد با شناسایی فعالین بیرون کارخانجات آنها را بشکلی از میدان مبارزه بدر کند.

بنابراین کارگران با هوشیاری انقلابی این دسیسه رژیم را خنثی کرده و با ایجاد تشکلات مستقل و علنی و تشویق کارگران به شرکت فعال

گزارشی از ششمین کنگره سراسری کنفدراسیون کارگران ترك مقیم اروپا (ATIK)

- پس از رسمیت کنگره نمایندگان شرکت کننده از نقاط مختلف ، معرفی شدند . هیئت رئیسه کنگره انتخاب گردید و نطق افتتاحیه از سوی یکی از دیگر از اعضا کمیته اجرائی ایراد شد . بعد از آن هیئت رئیسه دستور جلسات کنگره را به این شرح اعلام کرد :
- ۱- گزارش و ارزیابی سیاسی کمیته اجرائی از اوضاع جهان و وظایف آتی آتیک در قبال آن .
 - ۲- گزارش و ارزیابی سیاسی کمیته اجرائی از اوضاع ترکیه و وظایف آتی آتیک .
 - ۳- گزارشی از فعالیت های علی یک ساله شامل :
 - الف: گزارش کمیته اجرائی
 - ب : گزارش سازمان زنان
 - ج : گزارش کمیته مالی
 - د : گزارش کمیته بازرسی
 - ۴- نظرات ، پیشنهادات و خواستهها
 - ۵- انتخابات
 - ۶- اختتام .

کنگره طی سه روز کار خود، ضمن بحث و بررسی و نقد و نظر پیرامون گزارشات ارائه شده از سوی کمیته اجرائی آتیک، این گزارشات

ششمین کنگره سراسری کنفدراسیون اتحادیههای کارگران ترك مقیم اروپا (ATIK) ، بمدت سه روز از تاریخ هفدهم تا نوزدهم ماه آوریل (آبریل) در شهر فرانکفورت برگزار شد .
در این کنگره ۹۹ نماینده از شهرهای مختلف آلمان و سایر کشورهای اروپائی شرکت داشتند . مجموع شرکت کنندگان و حاضرین در این کنگره حدود ۳۰۰ نفر بود ، که بعنوان شنونده و یا میهمان از سازمانها و گروههای سیاسی مختلف ترك به این کنگره آمده بودند . همچنین نماینده کمیته خارج از کشور حزب کمونیست (م ل) پرو و نمایندگانی از تشکلهای کارگری مختلف از جمله : "کارگران تبعیدی و مهاجر ترك مقیم استرالیا" ، "انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی" ، و ۰۰۰ بعنوان میهمان در این کنگره شرکت داشتند و ضمن ارائه پیام به کنگره ، پیرامون مسائل کارگری ، مشکلات و مبارزات کارگران کشورهای استرالیا و ایران سخنرانی کردند .
اکثریت شرکت کنندگان را کارگران تشکیل میدادند و در مجموع ، در شرایط سنی زیر ۴۰ سال بودند . در جلسه افتتاحیه کنگره ، ابتدا یکی از اعضا کمیته اجرائی ضمن خیر مقدم به شرکت کنندگان و میهمانان ، یک دقیقه سکوت به پاس بزرگداشت خاطره کارگران و تمام آنهائیکه در راه رهائی طبقه کارگر از ستم سرمایه جان باختند ، اعلام کرد . سپس شمارشی از تعداد نمایندگان شرکت کننده جهت مشخص شدن حد نصاب لازم ، بعمل آمد و کنگره رسمیت یافت .



فرم اشتراك نشریه

برای اشتراك نشریه کارگر تبعیدی با آدرس زیر تماس بگیرید :

آدرس متقاضی

نام :
آدرس :
شهر :
کشور :

Verein der Iranischen
Arbeiteremigranten
u. Flüchtlinge
Am Judenkirchhof 11 C
D- 3000 Hannover 1

حق اشتراك سالانه

برای ۶ شماره در آلمان ۱۵۶۰ مارك
- سایر کشورها ۱۶۸۰ مارك

تمام قیمت ها با محاسبه هزینه پستی است .
بهای اشتراك خود را به شماره حساب زیر واریز و رسید آنرا به آدرس بالا ارسال کنید :

شماره حساب : KONTO Nr. 3404160
کد بانکی : B.L.Z 53051396
Kreissparkasse Badsoden-Salmünster
W. Germany

پیام هیئت هماهنگی انجمن کارگران پناهنده مهاجر ایرانی
به: ششمین کنگره سراسری کنفدراسیون کارگران ترک مقیم اروپا

(ATIK)

دوستان عزیز!

گرامی رفقای کارگر!

ما ضمن ابراز صمیمانه ترین سلامها و رفیقانه ترین درودها به
شما، برگزاری ششمین کنگره سراسری (ATIK) را شاپساش
گفته و موفقیت و پیروزی شما را آرزو مندیم.

ما از مبارزات شما علیه سرمایه داری که میکوشد به هر طریق
ممکن، حقوق طبقه کارگر را پایمال کند، دفاع مینمائیم و درهرجائی
که کار میکیم، همراه شما در برابر یورشهای سرمایه داران و کارفرمایان
ایستاده و خود را در مبارزه علیه آنان تا رسیدن به حقوق حقه
خویش شریک میدانیم.

با ایمان به اینکه: "کارگران جهان متحد شوید" ما تنها راه
رهائی و پیروزی را آرمانهای پرولتاریا و مبارزات متحدانطباقی علیه
بورژوازی جهانی میدانیم و با توجه به این آرمان بزرگ و اتحاد
مبارزاتی، اعلام میداریم که: ما در این مبارزه سهیم و در کنار همه
کارگرانی قرار داریم که در این راه مبارزه میکنند.

یکبار دیگر موفقیت و پیروزی شما را در پیشبردها هدفان کنفدراسیون آرزو مندیم.

با ایمان به پیروزی طبقه کارگر

از طرف

هیئت هماهنگکننده انجمن کارگران پناهنده مهاجر ایرانی

یوسف - هجدهم ماه آوریل سال ۱۹۹۲ - فرانکفورت

آتی آتیک بس خالی است .

این رفقا حتی در مورد حقوق ملل تحت ستم نیز به گونه‌ای به
انحراف میرفتند و اگرچه بارها و بارها این فلکت را که: "حق ملل
در تعیین سرنوشت خویش، حق مسلم آنهاست" تکرار میکردند اما در
عمل و آنچه که از بیان نطقها و بحث هایشان مشخص میکشد، آنها
حتی رهنمودهای رهبر کبیرشان (ا.ک.ک) را نیز که تعیین حق
سرنوشت تا سرحد جدائی را بدون قید و شرط برای ملت کسرد
میخواهد، نا دیده می گرفتند، و بحث های آنان چنان مینمود که:
این رفقا با دید سوسیال شونیستی به مسئله ملیتها از جمله ملت
کرد و ارمنی و ... می نگریستند.

حال ، جای برخورد با این نواقص و کمبودهای کنگره -
بعنوان یک وظیفه کارگری و انتقاد گذشت ناپذیر از این رفقای کارگر
- در این گزارش گونه نیست و نمیکند.

بهرحال : حرکت ، تصمیمات و در يك كلام کنگره این رفقای
کارگر بمثابة بخشی از طبقه جهانی ما، میتواند آموزگار و آموزنده باشد.
چه آنچه که این رفقا گفتند و در موردش تصمیم گرفتند و چه آنچه
که ناگفته ماند و در موردش تصمیمی اتخاذ نشد.

"یوسف - کارگر تبعیدی عضو انجمن"

۲۴ آوریل سال ۱۹۹۲

را با در نظر گرفتن و دخل پیشنهادات و انتقادات وارده، اصلاح و
تصویب کرد. همچنین وظایف آتی آتیک که از سوی کمیته اجرائی
در رابطه با اوضاع سیاسی جهان و ترکیه پیشنهاد شده بود نیز با
اصلاح و قبول پیشنهادات و اضافات از تصویب کنگره گذشت.

علاوه بر این وظایف سیاسی، وظایف عملی آتی آتیک نیز با بحث
و بررسی و اولویت های آن مورد تصویب قرار گرفت .
الف - به وظایف آتی آتیک در اروپا در رابطه با ترکیه

۱- افشا سیاستها و عملکردهای حکومت بورژوازی ترکیه بمثابة
یکی از کارگزاران امپریالیسم در منطقه

۲- افشا چهره فاشیسم در ترکیه در رابطه با کشتار کارگران،
زحمتکشان و خلق کرد .

۳- دفاع از حقوق و مبارزات ملت کرد ترکیه .

ب- وظایف آتی آتیک در رابطه با اروپا

۱- افشا سیاست اروپای متحد در رابطه با خارجیان

۲- مبارزه و سازماندهی حرکت های اعتراضی علیه بی حقوقی
خارجیان که از سوی حکومت های خارجی اعمال میشود .

۳- مبارزه علیه راسیسم و نژاد پرستی و دستهای اوباش آنان

۴- افشا چهره های عوامفریبانه سرمایه داران اروپا که علت
بیکاری و افزایش روزافزون آن را به گردن خارجیان و
"کارگران مهمان" میندازد .

۵- اتحاد عمل با سازمانها و نیروهای مترقی و دمکرات اروپائی
و غیر اروپائی .

۶- سازماندهی و برگزاری حرکت های فرهنگی و دمکراتیک در پیوند
با مبارزات ملیتهای مختلف .

کنگره ۹ نفر از اعضا نمایندگان را بعنوان هیئت اجرائی
انتخاب کرد که ۷ نفر از آنان اعضا اصلی و ۲ نفر دیگر اعضا
علی البدل بودند. لازم به ذکر است که تعداد اعضا کمیته اجرائی
در دوره قبلی ۱۳ نفر بود که در این دوره به ۷ نفر تقلیل یافت .
کنگره در ساعت ۱۹ روز نوزدهم آپریل پایان یافت . (متن سخنرانی
رفیق یوسف، نماینده انجمن ، در این کنگره در شماره آینده نشریه
خواهد آمد.)

در حاشیه کنگره

لازم به گفتن است که: آنچه به عنوان بحث های کنگره -
علی الخصوص بحث های سیاسی - در رابطه با اوضاع جهانی و ترکیه
صورت گرفت و حتی مدت زیادی از وقت کنگره را نیز به خود اختصاص
داد، بیشتر بحث های آکادمیک و پلیمیک های سیاسی یک حزب سیاسی
در کنگره حزبی اش بود تا آنچه که می بایست در یک کنگره کنفدراسیون
اتحادیه های کارگری صورت گیرد و بحث های کارگری شود. بطور
مثال:

پیرامون مسائل و مشکلات سیاسی کارگری، سازماندهی مبارزات یک پارچه
کارگران در برابر یورشهای جدید بورژوازی به حقوق سیاسی و اقتصادی
آنان پیشبرد این وظائف از طریق و از درون سندیکاها و اتحادیه های
کشورهاییکه در آنجا کار میکنند و عضو این اتحادیه ها هستند .
همچنین پیرامون اتحاد عمل با سایر اتحادیه های مترقی

کارگری اروپا و لاجرم با ایفای نقش اساسی و اعمال رهبری بعنوان
کارگران آگاه و پیشرو در مبارزات کارگری و اتحادیه های بحث و گفتگویی
نشده، که متأسفانه جای این نکات به مثابه وظایف اصلی و عملی

کارگران در پیشبرد مبارزات طبقاتی و اهداف این طبقه جهت رسیدن
به حقوق حقه خویش به هر طریق ممکن، در بند بند وظایف عملی

کار . . . کارگر

● به نقل از کار و کارگر مورخ ۱۹ نوامبر ۹۱ سخنان نماینده مردم قائمشهر:

"کارگران اصلیتین عوامل رشد اقتصادی کشور هستند و نظام جمهوری اسلامی بر مبنای عدل و عدالت استوار است. در منطقه سواد کوه معدن البرز زیراب بیش از صد هزار نفر کارگر فقط در قلب کوه حدود دو هزار متر بلکه بیشتر در زیر کوه نغال سنگ استخراج می کنند و این کارگران نوعاً بعد از چندین سال مبتلا به بیماریهای کلیوی و دیسک کم، کمری کوشش و درد زانو می شوند. جدا دارد این قشر زحمتکش از مزایای بیشتری برخوردار شوند."

● به نقل از کار و کارگر مورخ ۲۲ دسامبر ۹۱:

"یزد - شواهای اسلامی یکصد کارخانه استان یزد با ارسال طوماری به محضر حجت الاسلام و المسلمین صدوقی نماینده ولی فقیه و امام جمعه یزد خواستار پیگیری و رسیدگی به ضرب و شتم نماینده کارگران شرکت آجر مهر این شهر توسط عوامل کارفرمای آن واحد شدند. بگزارش رسیده در این طومار که رونوشت آن برای مسئولین استان یزد و سرپرستی روزنامه کار و کارگر استان یزد نیز ارسال شده، آمده است: از آنجائی که نماینده محترم کارگران شرکت آجر مهر یزد برادر ایچ عالم زاده توسط عوامل کارفرمای آن واحد در محیط امن و کار کارگری بجرم دفاع از حقوق حقه کارگران مورد ضرب و شتم قرار گرفته لذا اینجانبان اعضای شواهای اسلامی و نمایندگان کارگران کارخانجات استان یزد بر حسب وظیفه اسلامی و انقلابی خویش ضمن محکوم کردن این عمل دامنشانه که خاطر قریب ۶۰ هزار کارگر استان را آزوده است از حضرتعالی استدعا داریم قبل از هر گونه اقدام و عکس العمل متقابل دستور فرمائید در اسرع وقت مقامات ذیصلاح اقدامات لازم را در خصوص مجازات مجرمین میذول دارند."

● روزنامه جمهوری اسلامی در شماره سه شنبه ۱۳ اسفند ماه ۷۰ خود اعتراف تکان دهندهای میکند:

از میان صف بیگاران تنها ۱۰ درصد جویندگان کار استان باختران موفق شدهاند، کاری برای خود پیدا کنند. و این در حالیتی که هزاران تن دیگر در این استان ناچار گشتند یا به کارهای شساق و توانفرسا که کسی جز محرومترین بخش های کارگران را نمی توان به انجام آن وادار کرد، روی آورد و یا به مشاغل نظیر خرید و فروش کوبین، سیگار فروشی، قاچاق کالاهای کمیاب و دیگر مشاغل کاذب تن دهند.

بنا به گزارش همین روزنامه، عطای از این افراد که در حقیقت جز بیگاران پنهان این استان محسوب می شوند، به خیرنگار روزنامه گفتهاند: "برای یافتن کارهای مناسب به هر نری زدند و لوسی در پایان با جواب منفی مواجه شده و آخر الامر برای تهیه مخارج زندگی به اینگونه شغلها روی آوردند."

به گزارش خیرگزاری جمهوری اسلامی، مشکلات ناشی از سرمای زمستان و رکود فعالیتهای ساختمانی و عمرانی نیز کارگرانی را که ناچارند بسا یک روز کار سخت، مخارج چند روز خانواده خود را تامین سازند در تنگنا قرار داده است.

اجتماع همه روزه کارگران در میدین باختران و بازگشت نومیدانه آنان در اواسط روز به منازلشان نشانگر آنست که در این زمینیه معدود کارهای ساختمانی نیز جوابگوی خیل عظیم بیگاران نیست.

براساس گفته مدیر کل کار و امور اجتماعی استان باختران در مقابل حدود ۸ هزار نفر جویندگان کار که طی سال جاری جهت اشتغال ثبت نام کردهاند تنها ۸۰۰ نفر آنان به کار گمارده شدهاند و با احتساب بیگارانی که از سالهای قبل تاکنون شغلی نیافتند، ایمن آمار ابعاد تکان دهندهای می یابد.

در مناطق پایه و جانورود نیز به خاطر نبودن زمینه های کشاورزی و عدم فعالیت واحدهای صنعتی، بیشتر اهالی با مشکل بیگاری مواجه هستند و اکثریت کارگران مهاجر به مناطق جنوبی کشور را این افراد تشکیل میدهند.

بقیه در صفحه ۱۶

قابل توجه ارسال کنندگان مطالب برای نشریه کارگر تبعیدی

تذکر: هیئت تحریریه کارگر تبعیدی در انتخاب و اصلاح انشائی مطالب آزاد خواهد بود و در صورتیکه نویسنده مقالهای بخواهد نوشتش بدون هیچگونه تغییری در نشریه درج شود، لازم است طی یادداشتی همراه مقاله این خواسته را یادآوری نماید. ما طبعاً سعی برآن داریم که در اصلاح مطالب، موازین امانت داری را حفظ نموده و به اصل و مضمون آن لطمهای وارد نکنیم و همچنین مطالبی را که مربوط به مسائل کارگری باشند، در نشریه چاپ کنیم.

از آنجا که بعضی از دوستان مطالبی را که برای نشریه کارگر تبعیدی ارسال می کنند بدلیل عدم رعایت موازین نگارش (مانند خوانا نوشتن و یا کپی مرغوب) بدشواری قابل خواندن و یا غیر قابل استفاده اند و به همین خاطر برای درج آنها در نشریه دچار مشکل می شویم، خواهشمندیم تنظیم کنندگان گزارشات و مقالات، موارد زیر را رعایت کنند:

- ۱- تمام مطالب روی کاغذ معمولی (DIN A4) نوشته شوند.
- ۲- نوشتهها روی یک طرف کاغذ و یک خط در میان باشند.
- ۳- سمت راست و چپ کاغذ (ابتدا و انتهای سطور) حدود ۵ سانتیمتر سفید باشد.
- ۴- حتی المقدور خوش خط و حتماً خوانا نوشته شوند.
- ۵- حتی الامکان اصل نوشته برایمان ارسال شود، در غیر اینصورت از کپی مرغوب استفاده شود.
- ۶- مطالب دارای تاریخ و امضا باشند.
- ۷- در صورتیکه عنوان مطالب را خودتان انتخاب می کنید، کوتاهترین عنوان را برگزینید.

کارگر تبعیدی از مطالب و بحثهای مربوط به مسائل کارگری و برخورد به این بحثها و مطالب از جانب صاحب نظران جنبش کارگری و هر فرد دیگری صمیمانه استقبال می کند.

هیئت تحریریه

گزیده‌های از جرائد به نقل از بولتن "آغازی نو"

اطلاعات: ۲۵ شهریور ماه ۱۳۷۰

حداقل دستمزد و میدی کارگران

از اول سال ۷۰، حداقل دستمزد ماهانه کارگران مجرد به ۵ هزار تومان و کارگران معیول و متأهل به ۶۵۰۰ تومان افزایش یافته است. مهندس خواجه‌نوری معاون نظارت بر روابط کار و امور اجتماعی... اعلام کرد... با توجه به درخواست فراوان و مکرر کارگران در مورد افزایش پاداش و میدی، این مسأله در هیات دولت مطرح شد... بر اساس مصوبه هیئت وزیران، اسامیل میزان میدی همه کارگران مشمول قانون کار، شامل دو پناه حقوق است، به شرط آن که از ۹۰ روز حداقل دستمزد فراتر نرود. با توجه به این که در حال حاضر ۱۶۶ تومان است، سقف میدی به ۱۵ هزار تومان می‌رسد... در این مورد سعی بر این بود که بین میزان میدی، و حداقل مزد کارگران رابطه‌ای برقرار کنیم تا با توجه به آن که حداقل مزد، هر ساله تغییر می‌کند، میزان میدی نیز در سال‌های مختلف، هماهنگ با آن افزایش یابد.

اطلاعات: ۲۲ شهریور ۱۳۷۰

طرح واگذاری ۲۲ واحد تولیدی به کارگران

تجزیه: ۱۵۰ میلیون دلار ارز در سال جاری برای تهیه کالاهای مختلف و ۵۰ میلیون دلار برای خرید گوشت هزینه شده است که از طریق اعلام کارگری و توسط وزارت بازرگانی در اختیار کارگران قرار می‌گیرد. وزیر کار و امور اجتماعی در مصاحبه با خبرنگاران در تیریز ضمن بیان مطالب بالا در مورد قانون جدید کارگت: قانون جدید کار که حدود ۶ ماه از اجرای آن می‌گذرد تاکنون در بخش‌های اشتغال، آموزش و تأمین اجتماعی نقش خود را به خوبی ایفا کرده است و مشکل اجرائی ندارد. آقای کمالی وزیر کار و امور اجتماعی در مورد فروش سهام واحدهای تولیدی به کارگران گفت: باید سهام ۲۲ درصد واحدهای تولیدی به کارگران واگذار شود که تاکنون در این زمینه اقداماتی صورت گرفته است و اجرای این طرح با جدیت و سرعت ادامه خواهد یافت.

اطلاعات: ۲۴ شهریور ماه ۱۳۷۰

طرح تمدید مهلت قانون بازنشستگی پیش از موعد کارگران مشمول تأمین اجتماعی، اصلاح شد

طرح تمدید مهلت قانون بازنشستگی پیش از موعد کارگران مشمول تأمین اجتماعی که به سبب مغایرت با اصول شریعت اسلام و افزایش هزینه‌های دولت در شورای نگهبان مردود اعلام شده است، بار دیگر در جلسه علنی امروز مجلس شورای اسلامی مطرح شد و برای تأمین نظریه آن شورا، تبصره طرح که کارفرمایان را موظف کرده بود در لزای کارگران بازنشسته، نیروهای جدید جویای کار را جایگزین کنند. به دلیل بار مالی آن حذف شد. متن اصلاح‌شده این طرح به قرار زیر است. ماده واحده: اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد مصوب ۱۳۷۱/۲/۲۸ مجلس شورای اسلامی، از تاریخ تصویب آیین‌نامه این قانون به مدت یک سال تمدید می‌شود. تبصره: نحوه پرداخت حق سال‌های خدمت کارگران (موضوع این قانون) طبق آیین‌نامه‌ای است که ظرف یک ماه توسط وزیر کار و امور اجتماعی تهیه و به تصویب هیات دولت می‌رسد.

روزنامه کار و کارگر: شهریور ماه ۱۳۷۰

کارگران شرکت لاستیک‌سازی: کدام بن؟ اینها شمارهای داغ زمان جنگ بود

مستولین باید یک فکر اساسی به حال جامعه کارگری بکنند، نه اینکه هیش شعار بدهیم که اقا برای دارش فلان و بهمان کردیم و آخر سز ما می‌بینیم که کارگر گرسنه است... ای بابا شما هم حوصله دارید. کدام بن؟ کدام کالا! اینها شمارهای داغ زمان جنگ بود. بن اکنون فقط قطعه کاغذی است که به دست کارگر می‌دهند و یا آن چند کیلو مدسی و دو دانه خیر دندان، سه مداد ترکیه‌ای بی‌مصرف به دست ما می‌رسد که ندانم آن باعث مشکل بیشتر نخواهد شد. کارگر در جامعه ما آنقدر مشکل دارد که با یک کیلو عدس دردش دوا نخواهد شد... مواردی که ما را امروز زجر می‌دهد مسأله مسکن، درمان، بهداشت و آموزش است.

رسالت: ۲ مهر ماه ۱۳۷۰

کار اصلی انجمن‌های اسلامی امر به معروف و نهی از منکر در محیط‌های کارگری است

کار اصلی انجمن‌های اسلامی کارگری، ترویج اسلام، حفاظت از احکام الله، امر به معروف و نهی از منکر در محیط‌های کارگری است و اگر تعهد خداپرستی، دین و تدین در کارگران ما وجود نداشته باشد ما نمی‌توانیم تولید را بالا ببریم که رسالت ایجاد تعهد و تدین در کارگران به عهده انجمن‌های اسلامی است.

این مطلب را حجه‌الاسلام والسلمین علی اکبر ناطق نوری، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و مسئول حراست دفتر مقام معظم رهبری در اولین سیپار ستاد هماهنگی انجمن‌های اسلامی شرکتها و کارخانجات استان تهران که عصر روز یکشنبه به همت واحد انجمن‌های اسلامی سازمان تبلیغات استان تهران برگزار شده اظهار داشت.

در این گردهم‌آبی... ابتدا محتسبی مغربی، مسئول واحد انجمن‌های اسلامی سازمان تبلیغات به ایراد سخن پرداخت و ضمن تشریح روند تشکیل این واحد به حرکت خرنده و سازماندهی‌شده‌ای که بخور نامرئی جهت براندازی انجمن‌های اسلامی فعالیت می‌کند اشاره کرده به اعضاء انجمن‌های اسلامی هشدار داد که به مقابله جدی با این حرکت کور بپردازند. در ادامه حجه‌الاسلام اخوان قائم‌مقام سازمان تبلیغات اسلامی طی سخنان کوتاهی به ضرورت سازماندهی، منسجک انجمن‌های اسلامی در زیر چتر ولایت فقیه اشاره کرد.

ناطق نوری گفت: من رتقی شنیدم که در جریان تصویب قانون کار در مجمع تشخیص مصلحت، گفته شده است که یکی از ارکان‌های کنترل‌کننده انجمن‌های اسلامی سازمان تبلیغات باشد که یک نماینده از وی فقیه در رأس آن هست بسیار خوشحال شدم، چرا که هر جریان‌ی باشد و متصل به ولایت فقیه نباشد دیر یا زود منحرف می‌شود. وی با اشاره به شخصیت استثنائی آقای رنسنجانی گفت... بحث این است که ما در این انقلاب قویترین و بالاترین نیروهای انقلاب را که اسبیل‌ترین نیروها و... نسبت به امام برده‌اند در رأس نظام قرار داده‌ایم. اگر کشور و انقلاب را با این رهبر و این رئیس‌جمهوری نتوانیم نجات بدهیم دیگر هیچ‌کدام از ما نمی‌توانیم کاری انجام دهیم.

کجهان هوایی: ۸ آبان ماه ۱۳۷۰

چگونگی حمایت دولت از کارگران ایرانی شاغل در کشورهای خارجی اعلام شد

مهندس سید سیمی قائم‌مقام وزارت کار و امور اجتماعی (...): کارگران ایرانی که در کویت مشغول به کار بودند باید با برنامه‌ریزی به کار تیلی‌شان برگردند. دولت کویت نیز پذیرای نیروی کار ایران است و ما به زودی رسماً با مقامات دولت و وزارت کار کویت برای تنظیم امور نیروی کار ایرانی در آن کشور مذاکراتی در کویت خواهیم داشت (...).

کارگران ایرانی شاغل در کشورهای حوزه خلیج فارس که رسماً به این کشورها رفته‌اند و دارای کارنامه شغل از وابستگان کار کشورمان هستند از پرداخت ۲۰٪ از عوارض خروج برای دو بار سفر در سال معافند. همچنین پیرو خودروری سواروی بدون انتقال ارز توسط ایران شاغل در خارج از کشور در نظر گرفته شده است. همچنین وابستگان کار ما از حقوق این افراد در مرزهای مختلف اختلاف و در مقابل کارفرمای خارجی کشورها سوبزه کشورهای حوزه خلیج فارس حمایت خواهند کرد.

(...) کسانی که به طور غیرقانونی وارد بازار کار ژاپن می‌شوند متأسفانه از این حمایت قانونی بهره‌مند نخواهند شد. لذا به همه ایرانیان و نیروی جوان کار برای اشتغال به ژاپن می‌روند شدیداً توصیه می‌کنیم بدون اجازه کار رسمی از کارخانه یا کارفرمای مربوطه در ژاپن به این کشور سفر نکنند و خود را دچار مسدات و عارضی و خسارات مالی و حائنی نسازند.

رسالت: ۳۰ شهریور ماه ۱۳۷۰

اخراج ۹۶ کارگر ایرانی از ژاپن

۹۶ دیگر از ایرانیان جویای کار مسج روز جمعه با پرواز ۹۰۱ هواپیمایی جمهوری اسلامی به تهران برگردانده شدند.

بنابر این گزارش ۵۵ نفر از این افراد کارگرانی هستند که مدت اقامت قانونی آنها در ژاپن خاتمه یافته و توسط اداره مهاجرت این کشور مجبور به بازگشت شده‌اند و ۴۱ نفر دیگر جزء مسافرن همین پرواز بودند که شب جمعه گذشته وارد فرودگاه توکیو شده و به دلیل عدم ارائه مدارک کافی از اخذ ویزای ورود محروم شدند (...).

... در پایان این سیپار قطعنامه‌ای در ۹ ماده

مبنی بر اقامت از مقام معظم رهبری، حمایت مسئولین نظام، درخواست از دوستردان در مورد انتصاب مدیون بر اساس ارزش‌های اسلامی، برخورد قاطع با عناصر اشاعه‌دهنده فرهنگ غرب و تحجیل‌گرایی و تلاش برای قضا زحیم‌های وابستگی توسط یکی از برگزینندگان این سیپار قرائت شد و به تأیید حاضران رسید.

ایران‌تایمز: ۱۷ آبان ماه ۱۳۷۰

اعتراض عده‌ای از کارگران شرکت نفت

عده‌ای از کارگران شرکت نفت طی بیانیه‌ای از این که وزارت نفت به کارمندان این وزارتخانه یک صد چلوکباب ۱۵۰ تومانی می‌دهد، انتقاد کردند.

وزارت نفت تنها سازمان دولتی است که کارمندان آن ۵ روز در هفته کار می‌کنند و از دور تعطیلات هستند بخوریدارند. کارگران معتز به بیانیه‌ای از کارمندان وزارت نفت با چلوکباب در بیانیه‌ای حاد نوشته‌اند: برای نگهداشتن کارمندان محترم تا پیش رفت اداری در سول امام هفته است تا چهارشنبه از سوز مسئولین محترم این وزارتخانه دستور داده شد که به تمام کارمندان ادارات و نوامی مختلف وزارت نفت در سه شرکت بزوت نفت، گاز و پتروشیمی یک وعده غذایی گرم با کیفیت حیلی ماننی داده شود که برای عملی ساختن این تعصب با بیمانکاران داخلی قراردادهایی منعقد گردید که هزینه سرسام‌آوری را بر دوش دولت گذاشت است چون برای این یک وعده غذا (معمولاً یا چلوکباب می‌دهند و یا چلوکباب گوینده، برک و مامی به اضافه نوشابه و...) حدود ۱۰۰ تومان برای هر کارمند از سوزی شرکت پرداخت می‌شود. در صورتی که از این بات فقط ۲۵ تومان از کارمندان گرفته می‌شود که در این شرایط سخت اقتصادی و کسبیه مود غذایی چنین اقدامی به نفع جامعه نیست (...).

وقت تلف‌شده برای صرف نهار سوزی از وقت تعیین شده برای ادای نیاز است، چون غذاها را یکی در ساعت زودتر از نیاز می‌دهند، پس نتیجه آن که هم وقت زیادی تلف می‌شود که خودبه‌خود نظریه بازدهی کار را تحت الشعاع قرار می‌دهد و هم هزینه هنگفتی را دولت باید متحمل شود تا غذاهای اینهمه کارمند را در ظروف یکبار مصرف با کیفیت بالا تهیه بکند.

رسالت: ۲۰ شهریور ماه ۱۳۷۰
گزارشی از کنگره سراسری انجمن های اسلامی
کارخانه های کشور

بخش اقتصادی - کنگره سراسری انجمن های اسلامی کارخانه های کشور به دعوت خانه کارگر چهارشنبه گذشته در سالن ۱۷ شهریور وزارت کار و امور اجتماعی با حضور جمعی زیادی از اعضای انجمن های اسلامی مسئولین خانه کارگر برگزار گردید. به گزارش یکی از کارگران شرکت کننده در این کنگره، حسین محبوب دبیر کل خانه کارگر طی سخنانی در این اجلاس گفت: ما چندین ماه پس از تصویب قانون کار منتظر ماندیم که هیئت وزیران آئین نامه و حدود وظائف و اختیارات انجمن های اسلامی را طبق ماده ۱۳۰ قانون کار انجام دهند که متأسفانه تاکنون اقدامی صورت نگرفته است لذا خانه کارگر تصمیم گرفت اولین کنگره سراسری انجمن های اسلامی را تشکیل داده و آئین نامه و اساسنامه را تصویب و هیات مرکزی قانون حال هماهنگی انجمن های اسلامی را انتخاب نماید. وی از کارگران خواست با فرستادن تکبیر آئین نامه داخلی کنگره را تصویب نمایند و قبل از نهار انتخابات انجام شود و بعد از ظهر هم اساسنامه را تصویب نمایند.

بنابر این گزارش، دبیر کل خانه کارگر آنگاه با قرائت آئین نامه داخلی کنگره نمود و سپس تاج الدین دبیرخانه کارگر اصفهان و دیندار یکی از اعضای فعال خانه کارگر استان تهران را به عنوان رئیس و نایب رئیس کنگره معرفی نمود. در این کنگره محمد سلمانی نماینده مردم تهران نیز به عنوان سخنران کنگره مطالبی را مطرح کرد. آنگاه حسین محبوب جهت اجرای انتخابات هیئت مرکزی انجمن های اسلامی در جایگاه قرار گرفت و از کارگران خواست به کاندیداهای مورد نظرشان رای دهند. جمعی از کارگران درخواست سخنران سابق و مخالف را کردند. حاصلش عضو کانون انجمن های اسلامی کارخانه های استان زنجان به عنوان مخالف طی سخنانی گفت: با توجه به این که این گروه ایی اولین کنگره انجمن های اسلامی کارخانه ها می باشد اجازه دهید کارها بر مبنای قانونی خود انجام گیرد و با توجه به این که ماده ۱۳۱ قانون کار تعیین حدود وظائف و اختیارات انجمن های اسلامی به عهده وزارتین کار و کشور و نیز سازمان تبلیغات اسلامی قرار داده شده است بایستی آئین نامه انجمن ها به تصویب هیئت محترم وزیران برسد.

لذا این سوال پیش می آید که چرا تشکیلات خانه کارگر اقدام به برگزاری غیرقانونی تشکیل هیئت مرکزی انجمن های اسلامی کرده است. وی تأکید کرد: نظر ما این است که انجمن های اسلامی فعلی تا تصویب آئین نامه و ابلاغ آن و روشن شدن موضع سازمان تبلیغات و وزارتین کار و کشور کماکان به فعالیت خود ادامه دهند و پس از روشن شدن حدود اختیارات و وظایف، مسئولین نظام طبق قانون هر تصمیمی گرفتند به آن عمل کنیم. حسین محبوب در پاسخ صالحي ضمن اظهار تأسف از سخنان وی گفت: من

برگزاری این انتخابات و تصویب اساسنامه را ضروری می دانم. بنابر این گزارش، در بعد از ظهر همین روز جلسه کنگره ادامه یافت و نمایندگان استان ها به بررسی مشکلات و مسائل انجمن های اسلامی در کمیسیون مربوط پرداختند.

در پایان اجلاس رای گیری به عمل آمد و هیئت مرکزی انجمن های اسلامی بر خلاف ماده ۱۲۰ قانون کار انتخاب شدند. شایان ذکر است خانه کارگر برای گزارش از این کنگره از مطبوعات دعوتی به عمل نیاورده بود.

اطلاعات: ۱۶ شهریور ماه ۱۳۷۰
۲۰ هزار واحد مسکونی اوزانیتت برای کارگران کشور
احداث می شود.

با تصویب مجلس شورای اسلامی کارگران می توانند ۲۰ سال سابقه کار، بازنشسته شوند. بانک رفاه کارگران به سازمان اجتماعی تعلق دارد و باید مجدداً در اختیار این سازمان قرار گیرد... دکتر غرضی مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی... گفت: این بانک که در سال ۱۳۳۰ توسط سازمان تأمین اجتماعی تأسیس شده متعلق به این سازمان است... این بانک تا سال ۵۷ سرمایه اولیه اش از ۲۰۰ میلیون ریال به ۱۰ میلیارد ریال رسیده است که جزو ذخایر کارگران محسوب می شود و بر مبنای قوانین، این بانک به سازمان تأمین اجتماعی تعلق دارد... امیدواریم با تصویب اساسنامه تقدیمی به هیات دولت، بانک رفاه کارگران مجدداً در اختیار این سازمان قرار گیرد... با توجه به زیرپوشش داشتن ۱۴ میلیون نفر بیمه شده و ۶۰۰ هزار کارگاه ایجاب می کند که ابزاری همانند بانک رفاه کارگران در اختیار این سازمان باشد... این سازمان علاوه بر مشارکت های دینی و اعطای وام ساخت و خرید خانه به کارگران، در نظر دارد ۲۰ هزار واحد مسکونی ایزان قیمت را برای کارگران کشور بسازد... در اولین مرحله پروژه احداث ۵۰۰ واحد مسکونی در قزوین آغاز شده است.

اطلاعات: ۱ مهر ماه ۱۳۷۰
نقد کار و امور اجتماعی در رشت اعلام کرد:
مخالفت با ایجاد تشکیلات کارگری جریمه و زندان در پی دارد.

رشت - خبرنگار اطلاعات: بر اساس قانون جدید کار، تمامی افرادی که با ایجاد تشکیلات کارگری مخالفت کنند و کارگران و کارنرمایان را از داشتن تشکیلات قانونی باز دارند، یا آنها را مجبور به عضویت در این تشکیلات کنند، به جرایم نقدی معادل ۲۰ تا ۱۰۰ برابر مزد روزانه کارگران و یا به حبس از ۱۱ تا ۲۰ روز محکوم می شوند. این مطلب توسط آقای کمالی وزیر کار و امور اجتماعی که به اتفاق جمعی از معاونین این وزارتخانه برای شرکت در افتتاح بازارچه مرکز نویدات خانگی رشت به این شهر سفر کرده بود، اعلام شد.

انقلاب اسلامی ۱۲ آبان ماه ۱۳۷۰
اعتصاب رانندگان نفتکش ها و کارگران تلبه خانه ها
در اواخر نیمه دوم مهر ماه، تهران يك روز بی نفت شد. علت آن اعتصاب رانندگان نفتکش ها و کارگران تلبه خانه ها بود. اما در شهرهای دیگر، بخصوص در شهرهای شمال غرب نیز، نفت نبوده است. علت، اعتصاب وسیع در تأسیسات نفت رسانی بوده است. در محیط کارگران نفت و دیگر محیط های صنعتی، حالت اعتراضی شدت گرفته است. بخصوص که صاحبان صنایع نسبت به چشم انداز اقتصادی بدبین شده اند. کالاها به فروش نمی رسند و کارخانه ها با مشکل پرداخت و کمبود سرمایه در گردش روبرو شده اند. با وجود این هنوز حالت اعتراض به عمل اعتراضی صومی بدل نشده است. در چند مورد که نزدیک بوده اعتصاب به وقوع بپیوندد، مقامات رژیم با وعده و وعید و نیز تهدید، مانع آن شده اند. اما نظر کسانی که از نزدیک با روحیات کارگران آشنا هستند، بر این است که بدتر شدن وضعیت اقتصادی، تبدیل حالت اعتراضی را به عمل اعتراضی غیرقابل احتراز می کند.

کیهان لندن - ۲۵ مهر ۱۳۷۰

کسب و کسب و اعتصاب کارگران نفت
در حالی که دو هفته است کسب و کسب و نفت و بتزین بسیاری از شهرهای کشور را ملج کرده و حتی در پایتخت جمعی بار باعث تعطیل پیپ بتزین شده، خبرهای رسیده حاکی است که کارگران صنعت نفت در تأسیسات مسجد سینان، پالایشگاه های اصفهان و اراک (پالایشگاه هشتم) و پالایشگاه تهران دست به اعتصاب زده اند و کارکنان اداره توزیع نفت کدکاری می کنند. اعتصاب تلبه خانه بید بلند را نیز به تعطیل کشانده است. رژیم جمهوری اسلامی اخبار مربوط به این اعتصابات را سانسور می کند و تنها پذیرت که پاره ای دشواری ها در کار تانکرها و دیگر رسانی توزیع سوند نفتی به وجود آمده است. مقامات اداره توزیع، در روزهای گذشته مارها به مردم اطمینان داده اند که در روزهای آینده، کسب و کسب و نفت و بتزین که صرفاً به دلیل ساله حمل و نقل آن پیش آمده برطرف خواهد شد... از سری دیگر اعتصابات گسترده در بسیاری کارخانه های دولتی نیز آغاز شده و کارگران به عنوان اعتراض به افزایش مداوم و سرسام آید قیمت ها و کمی دسترزد دست از کار کشیده اند. از جمله محتسب صنعتی اراک... در اثر اعتصاب فلج شده است. هفته گذشته حسن حبیبی معاون رشتخانی به شهر صنعتی اراک رفت تا با کارگران مذاکره کند و آنان را وادار به شکستن اعتصاب نماید. اما کارگران حاضر به گفتگو با او نشدند و حبیبی ناگزیر شد در برابر شعارهای دسته جمعی و خشکینانه کارگران محل مجتمع صنعتی را ترک کند.

کار... کارگر دنباله اصفحه ۱۴

اینک ارگان ضدکارگری خاند کارگر جمهوری اسلامی به بحث حمله مقله هایی مثل "حقوق اتحادیه ها و حمایت آنها" و "بیمه های دسته جمعی" تن داده. نشانه فشارهای احتمالی است که اتحادیه ها اروپایی و امویکی از طریق سازمان بین المللی کار بر جمهوری اسلامی وارد کرده اند. گفته مسئول سازمان بین المللی کار نامه هایی به مسئولین رژیم درباره نرسیدن شاخص سددسکهای کارگری فرستاده و یکی از بحث های مسئولین وزارت کار بیامون این موضوع بوده است.

● بنا به گزارش کیهان دولتی مورخ ۹ فروردین ۱۳۷۱ قرار است سمبار مشترکی از سوی سازمان بین المللی کار (ILO) و خانه کارگر جمهوری اسلامی از تاریخ ۲۶ اردیبهشت ۷۱ ساعت ۱۰ روز در تهران برگزار شود. "به گزارش خاند کارگر جمهوری اسلامی موصوفات این سمبار عبارتند از اهداف و ساختار سازمان بین المللی کار، اساسنامه های کار، حقوق اتحادیه ها و حمایت آنها، تعاونی های صرب و مسکن کارگران، بیمه های دسته جمعی و ..."

برای حمایت از مبارزات کارگران ایران متحد شویم!

ترجمه صاحبید باآلن تورنت یکی از فعالین جنبش کارگری بریتانیا

پیدایش و رشد اتحادیه های صنفی - کارگری در بریتانیا

بحث ما در جلسه گذشته شامل دوران اعتصاب عمومی ۱۹۲۶ تا جنگ جهانی دوم بود. این بحث همچنین جنبش اقلیت را که در ۱۹۲۰ شروع و در ۱۹۲۵ به پایان رسید و نقش حزب اقتصادیان را در این جنبش در بر گرفت. در همین جلسه در مورد حمایت اتحادیه ها از جنگ و کمیته های تولید مشترک نیز صحبت کردیم. هدف کمیته های تولید مشترک بالا بردن سطح تولید در دوران جنگ و یاری رساندن به مدیریت بود ولی با این وجود این کمیته ها منجر به پیدایش جنبش نمایندگان اتحادیه ها گشته و موجب بالا رفتن عضویت در اتحادیه ها شدند. در پایان جنگ عضویت اتحادیه ها افزایش پیدا کرده و تقریباً به ۷ تا ۶ میلیون رسید. پایان جنگ همچنین سرآغاز جنبش نمایندگان اتحادیه ها بود که در جنگ جهانی اول شروع ولی در فاصله دو جنگ از بین رفته بود. این جنبش بیشتر در میان کارگران ماهر وجود داشت و در دوران پس از جنگ بعضی بخشهای صنعتی را هم (مهمتر از همه معادن زغال سنگ، بنادر و چاپ) را در بر میگرفت. اما به استثنای این صنایع، در سال ۱۹۴۵ بیشتر بخش صنعتی سازمان نیافته بود: ماشین سازی با وجود داشتن تعداد زیادی کارگران ماهر و بخشهای مهندسی تا حد زیادی سازمان نیافته بودند. کارگران راه آهن و اداره پست از سازماندهی بیشتری برخوردار بودند. در کل سازماندهی زیادی در میان کارگران یقه سفید وجود نداشت.

در طول جنگ یک دولت ائتلافی سرکار بود. با پایان گرفتن جنگ بلافاصله انتخابات عمومی برگزار شد و در نتیجه حزب کارگر به رهبری اتلسی با اکثریت قابل توجهی به قدرت رسید. این حزب تا سال ۱۹۵۱ در قدرت بود. با وجود اینکه دولت اتلسی بسیار دست راستی بود ولی اقدام به ملی کردن برخی صنایع مانند معادن زغال سنگ و راههای آهن کرد و سیستم بهداشت ملی (N.H.S) و تامین اجتماعی را نیز به وجود آورد.

این اقدامات دولت اتلسی با وجود دست راستی بودنش - به نفع کارگران تمام شد. البته دولت هم تحت فشار بود تا دست به یکسری تحولات اجتماعی بزند زیرا پس از جنگ، بسیاری از سربازان از جبهه بازگشته با بیکاری مواجه بوده و بنابراین برای کمک چشم به دولت داشتند. در انتخابات سال ۱۹۵۱ حزب محافظه کار به رهبری - وینستون چرچیل به قدرت رسید. این حزب به مدت ۱۳ سال - یعنی از ۱۹۵۱ تا ۱۹۶۴ حکومت را در دست داشت. مشخصه بارز سالهای ۱۹۵۰ پیشروی تدریجی اتحادیه ها بود و مبارزه برای رسمیت شناختن صنایع، صنایع ماشین سازی و مهندسی که قبلاً تا حد زیادی به رسمیت شناخته نمی شدند. در این سالها اعتصابات بزرگی بر علیه بیکاری صورت گرفتند.

پس از جنگ اقتصاد وارد دوران رونق شد ولی در عین حال نوساناتی هم در این رونق وجود داشت. رونق سالهای اول ۱۹۵۰ در اواسط این دهه جای خود را به کندی اقتصادی و به دنبال آن تعدادی اعتصابات بزرگ علیه بیکاری داد. این خود نمایانگر رسمیت شناختن اتحادیه ها بود. در سالهای آخر ۱۹۵۰ عضویت در اتحادیه ها بالا رفته و مبارزات عدیده برای به رسمیت شناختن صورت گرفته بودند. همچنین از سالهای ۵۵-۱۹۴۵ تا دهه ۱۹۶۰ شاهد رشد کمیته های الحاقی نمایندگان اتحادیه ها، به عنوان مثال

در صنایع ماشین سازی هستیم.

بنابراین ۱۹۵۰ دهه پیشروی تدریجی ولی مثبت اتحادیه گری است. وضعیت در سالهای ۱۹۶۰ کاملاً متفاوت بود. دهه ۶۰ نمایانگر یکی از عظیمترین پیشروی ها در جنبش اتحادیه های در بریتانیا می باشد. پیشروی نه تنها به معنای گرفتن امتیاز در رابطه با شرایط کار و سطح دستمزد بلکه همچنین از لحاظ سازماندهی اتحادیه های.

۱۹۶۰ دهه اوج جنبش نمایندگان اتحادیه ها و اوج جنبش اتحادیه های در مقیاسی وسیع، عضوگیری بالای اتحادیه ها و به رسمیت شناختن در صنایع تولیدی مانند ماشین سازی، مهندسی و کشتی سازی بود. نمایندگی اتحادیه های در مهندسی، ماشین سازی، کشتی سازی و ترابری بیشتر قاعده بود تا استثنا و کمیته های الحاقی نمایندگان اتحادیه ها در مهندسی، هواپیماسازی، بنادر و غیره نیز بوجود آمدند. جنبش نمایندگان اتحادیه ها بارزترین مشخصه جنبش اتحادیه های در بریتانیا شد. این جنبش از استقلال بسیار بالایی در رابطه با بوروکراسی اتحادیه های برخوردار بود. در بسیاری از معادن چندین اتحادیه وجود داشتند - به جز در معادن که تک اتحادیه ای بود. بنابراین هیچ اتحادیه ای به تنهایی نمی توانست ادعای نمایندگی صنعت خاصی را بکند. اما می توان گفت که کمیته های الحاقی نمایندگان اتحادیه ها مشترکاً یک بخش صنعتی خاصی را نمایندگی می کردند. این نکته بسیار مهمی بود. نمایندگان اتحادیه ها به نحوی نمایندگان رسمی اتحادیه بودند ولی کمیته های الحاقی آنها رسمی نبودند. یعنی نه مدیریت و نه اتحادیه ها آنها را به رسمیت نمی شناختند. با این حال بسیار مهم بوده و در هر موقعیتی می بایستی در نظر گرفته می شدند. در بسیاری موارد، مدیریت آنها را به رسمیت می شناخت بدون اینکه عملاً به این موضوع اذعان داشته باشد و این بخاطر قدرتی بود که این کمیته ها کسب کرده بودند.

حزب کارگر قدرت را در ۱۹۶۴ تحت رهبری هارولد ویلسون به دست گرفت.

ویلسون ابتدا جناح چپ حزب کارگر را نمایندگی می کرد اما هنگامیکه به قدرت رسید به سرعت به جناح راست گرایش پیدا کرد. ولی با این وجود دولت وقت، دست چپی بود. به محض به قدرت رسیدن، دولت با سطح بالایی از (مبارزهجویی) اعضای اتحادیه ها مواجه شد: اعتصاب بنادر و اعتصابات متعدد برای افزایش سطح دستمزد. در این دوره کارگران بنادر، ماشین سازی، بخشهای مهندسی و هواپیماسازی - به خلاف کارگران معادن (در سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰) بسیار مبارزه جو بودند. دولت ویلسون ابتدا سعی کرد توسط یک سیاست درآمندی مبارزهجویانه این دوره را کنترل نماید. این سیاست که ابتدا دواطلبانه و با توافق اتحادیه ها اجرا شد، بعدها اجباری شد. در ۱۹۶۹ به منظور کنترل اعتصابات، ویلسون گام بزرگی در جهت گذراندن قوانین ضد اتحادیه ای برداشت. وی سعی کرد لایحه ای را از پارلمان بگذراند که طبق آن یک دوره ۲۸ روزه مهلت قبل از هر اعتصاب لازم بود. این لایحه با مخالفت شدید اعضای اتحادیه ها روبرو شد. از اوایل ۱۹۶۹ زمانی که این لایحه منتشر شد تا اواخر همان سال یکسری اعتصابات عمومی در اعتراضی به این لایحه صورت گرفتند. بسیاری از این اعتصابات یک روزه بوده و توسط اعضای اتحادیه ها سازماندهی شده بودند. اتحادیه ها و کنگره اتحادیه ها (T.U.C) موضع مهمی در قبال

گرفت . یکسال پس از این واقعه، اتحادیه مهندسی (EAU) بخاطر دست زدن به اعتصاب مبلغ ۷۵۰۰۰ پوند جریمه شد. رهبر اتحادیه، اسکن لن، به اعتصاب رای داد و اتحادیه را برای مدت نامعلومی به اعتصاب فراخواند. در پایان، برای جلوگیری از اعتصاب، کارفرمایان ناچار به پرداخت جریمه شدند. این نیز پیروزی بزرگ دیگری بود.

در سپتامبر ۱۹۷۴ انتخابات عمومی برگزار شد و حزب کارگر بار دیگر قدرت را در دست گرفت. در این مدت همچنین ۲ اعتصاب سراسری بزرگ بر سر اضافه دستمزد صورت گرفتند. بسیاری صنایع از کار افتاده و تولید برق متوقف شد. همچنین ۲ اعتصاب سراسری معدن چیان در ۱۹۷۲ و ۱۹۷۴ صورت گرفتند. در ۱۹۷۲ پیروزی کامل نصیب معدنچیان شد و در ۱۹۷۴ دولت‌هیئت در نتیجه اعتصاب سقوط کرد. در حالیکه اعتصاب در جریان بود، هیئت تصمیم به فراخوان انتخابات عمومی گرفت. در حقیقت این انتخابات به مثابه رفراندومی بود که طی آن رای دهندگان می‌بایستی یا به نفع دولت و یا به نفع اعتصابیون رای دهند. در نتیجه در ۱۹۷۴ حزب کارگر توسط معدنچیان به قدرت رسید. این تحول بزرگی بود، چرا که معدنچیان فاکتور مهمی در سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ نبودند و فقط در دهه ۷۰ بود که وارد صحنه شدند. بر خلاف ماهیت سیاستهایش، دولت مجبور به لغو "لایحه روابط صنعتی" شد. خصومت نسبت به این لایحه به قدری بود که دولت نمی‌توانست راه دیگری انتخاب کند. هارولد ویلسون، نخست وزیر وقت، که سعی در تصویب این لایحه در ۱۹۶۹، ۱۹۷۴، ۱۹۷۵ کرده بود، مجبور به لغو این لایحه محافظه کارانه شد.

حزب کارگر قدرت را در سالهای ۷۹-۱۹۷۴ سالهایی که توأم با بحران اقتصادی (زائیده سیاستهای محافظه کاران) بودند در دست داشت. نرخ تورم در این سالها حدود ۳۰ درصد بود و دولت با اتحادیه‌های بسیار مبارز و اعضای که خواهان اضافه دستمزد بودند روبرو بود.

در پاسخ به این مشکلات، دولت "سیاست درآمد" را در ۳ مرحله در طی سالهای ۷۹-۱۹۷۵ به اجرا در آورد. مرحله سوم (سیاست ۵ درصدی) با وجود نرخ تورم ۱۴ درصد اجرا شد. این سیاست از هیچگونه محبوبیتی بین اعضای اتحادیه‌ها برخوردار نبود و به "زستان ناراضی" (زستان ۷۹) ختم شد. یکسری اعتصابات سراسری در بخش‌های دولتی در قسمت‌های خدمات، آب‌رسانی، جمع‌آوری زباله، نهادهای محلی، بیمارستانها (کارمندان بقیه سفید)، مهندسی، ابزارسازی و اعتصابات دیگری از جمله اعتصاب در فرودگاه هیسترو و ۵ اعتصاب در کارخانه لیلاند رخ دادند. ویلسون به دلیل نامعلومی استعفا داد و جیمز کالاهان بجای او به سمت نخست وزیر رسید. وی سیاست ۵ درصدی را پیاده کرد و راه را برای یک انتخابات عمومی که طی آن حزب کارگر مغلوب شد باز کرد. دلیل بازنده شدن دولت این بود که انتظار رأی موافق از همان افرادی را داشت که بواسطه سیاستهای سختی و ریاضت می‌کشیدند. در نتیجه ناچار به قدرت رسید.

۹۰-۱۹۷۹ دوران ناچر و دروه خاصی دیگری برای اتحادیه‌ها محسوب می‌شود. در ۱۹۷۹ اتحادیه‌ها فوق العاده قوی بودند. طی دهه ۱۹۷۰ در مقایسه با سالهای ۱۹۶۰ اتحادیه‌ها رو به رشد گذاشتند. ۱۹۶۰ دهه رشد اتحادیه‌های بقیه آبی و ۱۹۷۰ دهه رشد اتحادیه‌های بقیه سفید بود. بین ۷۵-۱۹۷۳، اتحادیگری رشد چشمگیری در بیمارستانها، نهادهای محلی و غیره داشت. در دهه ۷۰ تحت رهبری حزب کارگر، اتحادیه‌ها تقریباً جزیی از دولت به حساب می‌آمدند. دولت به اتحادیه‌ها چشم داشت تا اعضای خود را تحت کنترل داشته و موافقت آنها را نسبت به سیاستهای دولت جلب کند. اتحادیه‌ها

این لواج داشتند: کچه ادعای مخالفت با آنها را داشتند ولی با هر حرکتی که با این لواج مخالفت داشت نیز مخالف بودند. در واقع زود بندهای پشت پرده بین رهبران و دولت ویلسون بر سر این لواج صورت گرفت ولی رهبران اتحادیه‌ها نمی‌توانستند آشکارا این مسئله را عنوان کنند زیرا اعضا با آنها مخالف بودند. پس از یکسری تقابلهای پیشنهاد این قوانین پس گرفته شد. در قبال این عقب نشینی اتحادیه‌ها نیز قول کنترل اعتصابات و کنترل مبارزات را دادند. این زود بند در سال ۱۹۶۹ صورت گرفت.

به فاصله کوتاهی انتخابات عمومی برگزار شده و طی آن حزب محافظه کار به رهبری ادوارد هیت در ۱۹۷۰ به قدرت رسید (۷۴-۱۹۷۰). ۷۴-۱۹۷۰ یکی از درخشانترین دوران جنبش طبقه کارگر بریتانیا است. فقط یک دوران دیگر، دوران پس از جنگ جهانی اول (۲۱-۱۹۱۸) و دوران اعتصاب عمومی (که با شکست روبرو شد) از مبارزه‌جویی بیشتری از این دوران برخوردار است.

در فاصله ۷۴-۱۹۷۰ بیشترین تعداد اعتصابات به استثنای سالهای ۱۹۲۰ صورت گرفتند. در ۱۹۷۳ به عنوان مثال مجموع تعداد روزهای اعتصاب به ۲۸ میلیون رسید. بسیاری از اعتصابات این دوره تدافعی بودند زیرا کارفرمایان سعی در عقلانی کردن تولید در صنایع مختلف و بخصوص در بنادر داشتند. کارگران بنادر دست به یکسری اعتصابات علیه Containerisation زدند. همچنین اعتصابات دیگری برای اضافه دستمزد (بخاطر سطح بالای تورم) و علیه یکسری قوانین ضد اتحادیه‌ای که ادوارد هیت وضع کرده بود صورت گرفتند. "هیت" این قوانین را بر سنای قوانین "ویلسون" وضع کرده بود. در ۱۹۷۲ "لایحه روابط صنعتی" گزارنده شد و تا ۱۹۷۴ سالی که حزب کارگر دوباره به قدرت رسید، به قوت خود باقی ماند. طبق این قوانین دادگاههای صنعتی دایر شده و حق جریمه کردن اتحادیه‌ها

را در صورت سرباز زدن از اجرای حکم این دادگاه را داشتند. این دادگاهها می‌توانستند حکم بازگشت اعتصابیون به کار را صادر کنند و در صورت تخلف اتحادیه مربوطه را جریمه می‌کردند. اعضای اتحادیه‌ها سرخسخته علیه این لایحه جنگیدند. از اوایل ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۴ - زمانیکه حزب کارگر دوباره به قدرت رسید، ۹ اعتصاب عمومی علیه این قوانین صورت گرفتند - ابتدا قوانین حزب کارگر و سپس قوانین محافظه کارانه. این اعتصابات، سیاسی و علیه سیاستهای دولت بودند. یکسری اعتصابات هم زمانیکه اتحادیه‌ها جریمه می‌شوند صورت گرفتند. مهمترین این اعتصابات در ۱۹۷۳ زمانیکه کارگران بنادر علیه Containerisation اعتصاب کرده و در نتیجه ۵ تن از آنها در یکی از زندانهای لندن زندانی شدند صورت گرفت.

دادگاه صنعتی به اعتصابیون حکم خاتمه تظاهرات ابستاده را داده بود و به دنبال آن این ۵ تن دستگیر شدند. کارگران بقیه صنایع هم مثل کارگران روزنامه‌ها، به سرعت به کارگران بنادر پیوستند. در عرض یک هفته کنگره اتحادیه‌ها مجبور شد اعلام کند که در صورت آزاد نشدن این ۵ تن فراخوان اعتصاب عمومی یک روزه را خواهد داد. این تنها موردی، پس از ۱۹۲۶، بود که کفرانس اتحادیه‌ها اعتصاب عمومی را مطرح می‌کرد. اگر چه این بار روز مشخصی را برای اعتصاب معین نکردند. با وجود بالاگرفتن اعتصاب، تاثیر آن بعلت تعطیلات عمومی اواخر ژوئیه و اوایل اوت محدود بود. ولی پس از حدود یک هفته صدها هزارها اعتصاب به جریان افتادند و دولت ناچار به عقب نشینی و پیدا کردن راه حلی برای آزادی ۵ تن شد. وکیلی که تا آن زمان گمنام بود ناگهان ظاهر شد و آزادی ۵ تن را تسهیل نمود. این پیروزی بزرگی بود و لایحه روابط صنعتی" در حقیقت کار آبی خود را از آن پس از دست داد و فقط یکبار دیگر مورد استفاده قرار

گزارنده شدند. در آوریل ۱۹۸۴ یعنی حدود ۳ تا ۵ ماه پس از تسلیم شدن کنگره اتحادیهها، اعتصاب معدن چیان آغاز شد. این بزرگترین واقعه دهه ۸۰ می باشد. اسکارگیل در آن زمان بسمت رهبری و هیت فیلد به سمت دستیار اتحادیه معدن چیان انتخاب شده بود و هردو متعلق به جناح چپ رادیکال بودند. موضع اسکارگیل این بود که کار برای فروش نیست. این سیاست توسط هیچ اتحادیه دیگری رسماً اتخاذ نشده بود: آنها مخالف بیکاری بودند ولی نهایتاً آنرا می پذیرفتند.

در طول ۱۹۸۳ هر زمان که دولت سعی در بستن معدنی می کرد اسکارگیل پروسه اعتصاب عمومی را شروع می کرد و در نتیجه دولت دو بار مجبور به عقب نشینی شد. در آوریل ۱۹۸۴ دولت عهداً "تصمیم به یک رویارویی حساب شده با معدن چیان گرفت. دولت توانسته بود تعدادی اعتصاب را مغلوب کند، اما براین باور بود که شکست کنگره اتحادیهها کامل نخواهد شد مگر با مغلوب کردن معدن چیان. بنابراین منتظر تقبل سیاستهایش توسط اتحادیهها شد. ابتدا معدنی را در یورکشایر بستند. معدن چیان یورکشایر دسته به اعتصاب زدند و سپس بیشتر معدن چیان در شمال، اسکاتلند و ولز به استثنای ناتینگهام شایر به حمایت از آنها اعتصاب کردند. اعتصاب در کل یکسال طول کشید و تمام مدت از پشتیبانی اسکارگیل برخوردار بود. در طول مدت اعتصاب، هزارها کمیته حمایت از معدن چیان تشکیل شدند. پس از یکسال به علت عدم پشتیبانی کنگره اتحادیهها و سایر اتحادیهها، اعتصاب معدن چیان شکست خورد و ترتیب بازگشت به کار توسط کنگره اتحادیهها (T.U.C) داده شد.

دنبال شکست معدن چیان، رو در رویی های دیگری نیز صورت گرفتند: کارگران چاپ در فلیت استریت و واپینگ و کارگران بندر دور (DOVER) این اعتصابات نیز درهم شکسته شدند. "واقع گرای نو" در کنگره اتحادیهها و حزب کارگر قوت گرفت و قوانین ضد اتحادیههای جدیدی پس اعتصاب معدن چیان گزارنده شدند.

۱۹۸۰ دهه شکست اتحادیهها بود. تعداد اعضای اتحادیهها

به ۹ میلیون کاهش یافت و "واقع گرای نو" قدرت گرفت. در حال حاضر هیچ بخشی از اتحادیهها به اندازه کافی قوی نیست که بتواند از بن بست فعلی خود را نجات دهد و سطح اعتصابات بسیار پائین می باشند. دلیل این وضعیت بی تمایلی کارگران به اعتصاب کردن نمی باشد بلکه این است که ردههای بالای اتحادیهها، قوانین ضد اتحادیههای را پذیرفتهاند. وکلا و مشاوران حقوقی بر اتحادیهها تسلط دارند و مدام با آنها صلاح و مشورت می شود. بنابراین اعضا بین "واقع گرای نو" و قوانین ضد اتحادیههای سرگردان ماندهاند. مقابله با قوانین ضد اتحادیههای بدون برخورداری از حمایت اتحادیهها دشوار است. از طرفی دیگر به علت "واقع گرای نو" جلب حمایت اتحادیهها دشوار می باشد. این موجب از دست دادن اعتماد به نفس اعضا شده. سطح این اعتماد به نفس را نتیجه انتخابات عمومی بعدی تعیین خواهد کرد. چنانچه محافظه کاران دوباره انتخاب شوند اوضاع بدتر خواهد شد. اگر حزب کارگر قدرت را در دست بگیرد، دست راستترین دولت کارگر از جنگ جهانی به بعد به قدرت خواهد رسید. چنانچه کیناک به حکومت برسد اعتماد به نفس اعضای اتحادیهها بیشتر خواهد شد. گرچه او از به کارگیری قوانین بر علیه طبقه کارگر فروگذاری نه خواهد کرد.

"ادامه در شماره آینده"

هم تماس نزدیک خود را با دولت حفظ کرده و مدام با نمایندگان دولت ملاقات داشتند.

سیاست دولت کارگر در دهه ۶۰ با سیاست آن در دهه ۷۰ متفاوت بود. سیاست ویلسون در سالهای ۱۹۶۰ سیاست مقابله با اتحادیهها بود. اتحادیهها از آنجایی که دولت نمی توانست جوابگوی تقاضای آنها برای اضافه دستمزد باشد مسئله ساز بودند. ویلسون به تقابل با اتحادیهها برخاست و شکست خورد. در ۱۹۷۴ سیاست جدیدی به اجرا درآمد. به جای مقابله با اتحادیهها دولت تصمیم به همکاری با رهبران اتحادیهها گرفت و آنها را به سمت خود جذب کرد. این سیاست موفق تر از سیاست قبلی بود ولی سرانجام با شکست روبرو شد.

در دهه ۸۰ شاهد مراحل متفاوتی هستیم: تعارضی دائمی دولت تاجر و موفقیت چشمگیر آن علیه اتحادیهها. هفت سری لایحه ضد اتحادیههای طی این مدت به تصویب رسید. نتایج آن این بود:

۱- کاهش تعداد اعضای اتحادیهها از ۱۴ به ۹ میلیون.

۲- پائین ترین سطح اعتصابات از جنگ جهانی به بعد.

چگونگی دستیابی دولت به این نتایج قابل توجه است. این پیروزی بواسطه ضعف اعضای اتحادیهها - ضعف طبقه کارگر - بدست نیامد. شخصه بارز اولین ۶ سال تاجریسم یکسری اعتصابات عمومی علیه دولت محافظه کار بود. اولین این اعتصابات، اعتصاب کارگران فولادسازی بود که در سال نو مسیحی ۱۹۸۰ شروع و در دفاع از کار و سطح دستمزد بود. به دنبال آن اعتصابات دیگری در ۱۹۸۲ - (راه آهن)، ۱۹۸۳ (ماشین سازی) و ۱۹۸۴ (رنگ و بار دیکر - راه آهن) صورت گرفتند. مهمترین شخصه این اعتصابات این بود که تمامی آنها بخاطر سازش رهبران شکست خوردند. رهبران نه تنها از این اعتصابات حمایت نکردند بلکه مصمم بودند که آنها را درهم بشکنند. برخورد کنگره اتحادیهها و رهبران اتحادیهها پس از به قدرت رسیدن تاجر این بود که جایی برای تقابل نیست و هیچگونه تقابلی با دولت موفقیت آمیز نخواهد بود. این سیاست بعدها به "واقع گرای نو" معروف شد و بر این مینا استوار بود که دولت قوی تر از آن است که بشود با آن مقابله کرد.

زمانی که کارگران راه آهن در ۱۹۸۳ علیه دولت دست به اعتصاب زدند کنگره اتحادیهها (TUC) آنها را تهدید به اخراج کرد. هر بار که چنین خیانتی توسط رهبران صورت می گرفت موفقیت دولت مستحکمتر می شد. دولت مدام قوانین جدیدی را به اجرا در می آورد. کنفرانس اتحادیهها ابتدا کاملاً مخالف اولین سری این قوانین بود که در ۱۹۸۲ ارائه شدند و فراخوان جلسه هیئت گردانندگان را صادر کرد. به دنبال این جلسه، کنگره اتحادیهها سیاست مخالفت تام با سیاستهای دولت را اتخاذ کرد. همچنین تصمیم گرفته شد که چنانچه این قوانین به اجرا در آیند اعتصابات سیاسی علیه آنها صورت بگیرند و صندوق هم به همین منظور ایجاد شد.

این سیاست که از آوریل تا نوامبر ۱۹۸۳ دوام آورد وقایع مهمی را به دنبال داشت. کارگران چاپ دست به اعتصاب زدند و مطابق قوانین ۱۹۸۲ اتحادیهشان به دادگاه کشانده شد. اتحادیه هم بلافاصله از کنگره اتحادیهها تقاضای پشتیبانی نمود. اما کنگره اتحادیهها یک شبه نظر خود را تغییر داده و اعلام کرد که از هیچ حرکت غیر قانونی حمایت نمی کند و به اتحادیه کارگران چاپ دستور بازگشت به کار را داد.

این شروع قبول قوانین ضد اتحادیههای بود. کنگره اتحادیهها البته هنوز اظهار میداشت که مخالف این قوانین است ولی معتقد بود که نمی شود با آنها مقابله کرد. بلافاصله پس از این واقعه، قوانین دیگری

"ادامه‌ی مبارزه‌ی کارگران در صنعت نفت"

در تاریخ ۱۴ مارس ۹۲ (۲۴ اسفند) ۱۵۰۰ تن از کارگران اعتصابی نفت در رامهرمز، که خواستار افزایش دستمزدی مطابق با کارمندان بودند، دست به تظاهرات زدند. زمانی که حدود شش هزار تن از گروه‌های مختلف مردم بجان آمده از هزینه‌های سرسام‌آور زندگی به جمع کارگران پیوستند، سپاه وارد عمل شده و به صف تظاهرکنندگان حمله برد. طبق خبر رسیده ۱۰۰ تن زخمی و ۵۷ تن دستگیر شدند.

بدنبال بیش از ۲ هزار اعتصاب و اعتراض کارگری در یکساله‌ی اخیر، بخصوص اعتصاب گسترده و مهم دیماه کارگران صنعت نفت برای افزایش دستمزد و بهبود شرایط کارشان، وزارت کار جمهوری اسلامی اعلام کرد که حداقل دستمزد کارگران در سال آینده حدود ۳۶٪ اضافه خواهد شد. یعنی از ۱۶۶۷ ریال به ۲۶۶۷ ریال خواهد رسید. کارگران نفت که در قطعنامه‌ی پایانی گردهمایی آبان‌ماه خود اعلام کرده بودند که اگر در طول جنگ از خواسته‌های خود چشم‌پوشی کرده و دست به اعتصاب نزده‌اند، اکنون دیگر مصرا خواستار بهبود وضع اقتصادی خود هستند، در تاریخ ۱۰ ژانویه (۱۹ دیماه) با طرح ۸۰٪ اضافه دستمزد مطابق کارمندان در سه پالایشگاه بزرگ اصفهان، شیراز و تهران وارد اعتصابی ۱۵ روزه شدند. جواب این اعتصاب طرح تفرقه‌افکنانه‌ی وزارت نفت بود که اعلام نمود حقوق کارمندان دیپلم حدود ۱۲ هزار تومان و لیسانس حدود ۱۷ هزار تومان اضافه خواهد شد، اما کارگران با کمتر از بیست سال سابقه‌ی کار در صورتی می‌توانند از این افزایش دستمزد بهره‌مند شوند که تقاضای کارمندان را بدهند و به کارگران با بیشتر از بیست سال سابقه‌ی کار نیز پیشنهاد کرد که خود را بازنشسته کنند.

حکومت اسلامی با توجه به نقش مهمی که کارکنان نفت در سقوط شاه ایفا کردند و با در نظر گرفتن جایگاه حیاتی نفت در ادامه‌ی موجودیت خود، تلاش می‌کند که این بخش از کارگران را تا حدودی آرام نگه دارد. ولی در عین حال از این هراس دارد که با گردن گذاشتن به خواسته‌های کارگران نفت، مشوق مبارزه‌ی کارگران سایر بخش‌ها گردد. در نتیجه به طرح "کارمندان کردن کارگران" روی آورده تا کارگران صنعت نفت را با این عمل از زیر چتر قانون کنار در آورده و زیر قوانین استخدام کشوری ببرد و ایندسته از کارگران که با دست داشتن اهرم‌های مهم اقتصادی کشور از موقعیتی حساس در به پیش بردن مبارزه و کسب خواسته‌های کارگری برخوردارند، از سایر کارگران ایران جدا نماید. شکست یا موفقیت این طرح را چگونگی برخورد کارگران تعیین خواهد نمود.

انجمن کارگران تبعیدی ایرانی

۱۹ مارس ۹۲

واحد هانوفر

نسائی‌های جدید نسائی

انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی

آلمان

انگلستان

Verein der Iranischen
Arbeiteremigranten
u. Flüchtlinge
Am Judenkirchhof 11 C
3000 Hannover 1

IRANIAN REFUGEE WORKERS
ASSOCIATION
c/o 12/14 Thornton Street
London SW9 0BL
Tel: 071-7335135/5670